



سبب معیشت کارگران و سطح دستمزدها (صفحه ۷)

رفیق آیت گودرزی درگذشت (صفحه ۹)

رُزا لوگزامبورگ (صفحه ۹)

هشتم مارس روز تاریخی زنان جهان برای رهایی و سوسیالیسم (صفحه ۱۷)

برجام: کدام رویکرد

کارخانه ملاتی است در خدمت طبقه کارگر

جهانی نوین باید ساخت

صفحه آخر

صفحه آخر

صفحه آخر

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس (مارچ) ۱۷ اسفند روز جهانی زن سمبل همبستگی مبارزات زنان برای کسب حقوق برابر با مردان و نیز احترام به زندانیان، شکنجه شدگان و جانبازگانی است که در رهایی زنان از قید و بند دنیای طبقاتی و نیز همدوش با مبارزین علیه ستم جنسی جنگیدند و بی هراس از مرگ و زندان قدم های موثری را در تحکیم و پیشبرد این مبارزات برداشتند. تاریخ به ما می گوید، ستم بر زنان از زمان طبقاتی شدن و تقسیم کار جامعه شکل گرفت و قدم به قدم براساس منافع طبقات حاکم قوانین و فرهنگ و سنت ها آنرا تحکیم کردند.

سرتاسر جامعه برده داری و فئودالیسم پُر است از تجاوز و اجحاف مضاعف بر زنان. نگاه انسان درجه دوم به زن در جامعه

سرمایه داری مرد سالار هم مانند دیگر جوامع قرون وسطی در اشکال دیگر تکرار می شود. سرمایه داری بخاطر سود بیشتر، زنان را از گوشه خانه ها به بازار کار و تولید انبوه کشاند. برای اولین بار در تاریخ طبقاتی زنان بصورت یک نیروی قدرتمند اجتماعی پا به صحنه اجتماعی گذاشتند. این نیروی قدرتمند که در تولید نقش فزاینده تری ایفا می کند، دیگر ستم مضاعف بر خود را نمی پذیرد. زنان در جامعه دارای درخواست هایی هستند که در طول تاریخ جامعه بشری فزاینده تر از مشکلات در قانون و با فرهنگ هستند، یکی از اساسی ترین درخواست زنان در سطح جهانی توقف مردسالاری در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی و فردی است. این خواستی است که

صفحه ۲

بیاد رفیق علی صادقی

اسفند پنجاه و هشت سازمان انقلابی حزب توده ایران در سنگلج تهران برای اولین بار پس از سالها فعالیت مخفی، میتینگ عمومی برای معرفی خود برگزار می کند. رفیق علی صادقی بعنوان سخنان این گردهمایی انتخاب شده است و هواداران سازمان با شور و شوقی در روزهای اولیه پس از انقلاب بهمین که بنام بهار آزادی سکه خورد، بیانیه دعوت به این میتینگ را در جنوب تهران، در مناطق کارگری و فقیر نشین پخش می کنند. خانواده های رفقای جان باخته سازمان انقلابی در دوره دیکتاتوری محمد رضا شاه شرکت می کنند، یاران خارجی سازمان و دوستداران کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی حضور دارند. آنها آمده بودند تا ثمره فعالیت های

صفحه ۳

در سالگرد ۲۲ بهمن پنجاه و هفت چه باید نوشت؟

چگونه می توان مسیر ادامه انقلاب عظیم توده های ستمدیده واستثمار شده ایران را از دهه های پنجاه برای آموزش امروزی خود ترسیم کنیم؟ رژیم جمهوری اسلامی با اینکه از لحاظ تاریخی همان مسیر سرمایه داری شاهنشاهی را ادامه داده است اما با توهم غیر قابل تصویری تلاش کرده است خدای شیعه را در لباس اقتصاد نئولیبرالیستی آمریکایی در آورد و معجونی از اندیشه های قبایل هزار چهارصد سال حجاز را بعنوان اسلام حسینی پیاده کند. آنها با توهمی بی مانند و نادر در قرن بیستم میخواستند نظام ولایت مطلقه فقیه را برقرار کنند و عملن سیاهترین دیکتاتوری های ضد مردمی را بنیاد گذاشتند و نظام سرمایه داری نئولیبرالیستی را مستقر کردند، نظامی

که مشتی مافیای دزد، غارتگر و اجنبی پرست میلیونر، خون نود ونه درصد از مردم را می مکند. امروز اما با سربلندی می توان گفت مردم ایران پس از چهار دهه مبارزه در اساسترین حرکت های اجتماعی در برابر نظام اسلامی ایستادگی کرده اند. درست بخاطر همین پراتیک اجتماعی حاکمان، امروز ایران یکی از سکولارترین جامعه منطقه است و صنف روحانیت از ترس خشم مردم خود را در حجره هایشان زندانی کرده اند و با لباس مبدل سفر می کنند. چنین است مسیر خونین چهاردهه تسلط و سرکوب از یکسو و مقاومت و مبارزه برای آزادی و ترقی و پیشرفت از سوی دیگر. ایران

صفحه ۴

اگر به سطح رو در روئی مقابله با مبارزات طبقاتی در جهان و به ویژه در ایران توجه داشته باشیم که عمدتاً بطور قهرآمیز توسط حاکمان به پیش برده می شود، عنصر ماتریالیستی - دیالکتیکی تعیین نوع اتخاذ تاکتیکها توسط نیروهای پرولتری باید در انجام هر اعتراض و مبارزه ای علیه رژیم پیوسته در نظر گرفته شود.

در بررسی این مورد می بینیم که رژیم سرمایه داری حاکم برای حفظ موقعیت برتر خود برای تقویت نیروهای سرکوبگرش، سالانه بودجه بزرگی از جامعه را به تقویت بنیه ی نظامی خود اختصاص داده است.

صفحه ۶

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



زنده باد ۸ مارس... بقیه از صفحه ۱

با روند تکامل اجتماعی کاملاً تطابق داشته و به همین دلیل مورد حمایت اکثریت جامعه است. نبود حقوق برابر اجتماعی با مردان یکی از معضلات بزرگ جامعه بشری که بدون حل آن بشریت قادر به رهایی از قید نابرابری و تحقق سوسیالیسم نخواهد بود. اولین بار هم زنان کارگر پرچم این مبارزه را برداشتند زیرا آنها نه تنها برای رهایی خود بلکه برای رهایی کل جامعه می جنگیدند.

دولت های امپریالیستی بعد از فروپاشی شوروی با کمک به روی کار آوردن حکومت های اسلامی و بنیادگرا در خاورمیانه و دیگر کشورها با زمینه های مذهبی و نیز حمایت از گروه های تروریستی مذهبی بیشترین ضربه را به امر آزادی زنان زدند و آنها را از بسیاری از دستاوردهایشان عقب راندند. هنوز در خود کشورهای سرمایه داری متروپل سالیانه زنان بیشماری توسط مردان به قتل می رسند. و نابرابری جنسیتی و طبقاتی وجود دارد. البته رشد و تکامل در جوامع متروپل و نیز مبارزه تاریخی کارگران و زنان برایشان دستاوردهایی داشته است که مرد سالاری را تا حدی تضعیف کرده است ولی این به هیچوجه به مفهوم از بین رفتن نابرابری اجتماعی بین زنان و مردان نیست.

در جوامع پیرامونی وضع به مراتب بدتر است. در این دسته از کشورها زنان یا هیچ حقوق اجتماعی ندارند و یا اگر در قانون حقی به آنها داده شده، همیشه مورد تعرض قرار گرفته و حقوقشان پایمال شده است و یا بر اساس روال معمول دولت ها شامل مرور زمان می شود. بطور مثال اکثر قتل هایی که انجام می گیرد، قاتلین سعی می کنند با ناموسی کردن دلیل قتل، جنایت خود را بپوشانند. زیرا که کشتن زنان بر اساس روابط جنسی خارج از حدود شرعی، عملاً قابل مجازات نیست.

سیستم سرمایه داری، نظامی ستمگر و استثمارگر است که در حق تمامی آحاد فرودست اجتماعی اعمال می شود. علاوه بر آن دولت های مذهبی ستم مضاعفی ناشی از تفکرات مرتجعانه و عقب مانده مذهبی را بر زنان بصورت قوانین دولتی اعمال می کنند که مجموعه این قوانین محیط اجتماعی را به جهنمی برای زنان تبدیل کرده است. در طول حاکمیت بیش از ۴ دهه رژیم جمهوری اسلامی بارها بر صورت زنان اسید پاشیده شد، زنان

در خبابان ها از طرف نیروهای حزب الله و امنیتی کتک خوردند و تحقیر شدند، در دادگاههای خانواده تمامی عوامل برای از بین بردن حقوق زنان چیده شده است، تعصبات جنسی که اساساً توسط حاکمیت دامن زده می شود خود به جنایت های بیشماری علیه زنان انجامیده است آخرین آن مونا حیدری است که توسط شوهرش سربریده شد. در زمینه سرپرستی فرزندان، حق طلاق، مهریه، دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، تقسیم مسئولیت در مدیریت جامعه، آزادی انتخاب در لباس و ازدواج، حق تسلط بر بدن خود، حق ارتباط دختران و پسران، مسافرت کردن و.... نابرابری تشدید شده است. در کنار این عوامل جنگ های منطقه ای و داخلی که بوجود می آید به این نوع نابرابری ها دامن می زند، زنان و کودکان اولین قربانیان پی آمدهای این جنگ ها هستند.

بحران های اجتماعی که به فقر دامن می زند خود باعث گسترش بحران های خانوادگی و گسست پیوندهای انسانی می شود. فقر انسان های عمدتاً فقیر را بدون هیچ گونه حقوق اجتماعی از درون خانواده بحران زده به جامعه ای که چنگال های سود و استثمار و ستم را آماده فرو کردن در جان بی پناهان دارد پرتاب می کند. باندهای فحشا و مواد مخدر آماده بکار گیری از نه تنها زنان بلکه کودکانی هستند که رها شده اند. پدیده زنان خیابانی و گسترش مواد مخدر در بین آنها در ایران مستقیماً متوجه ساختارهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حاکم است که دولت جمهوری اسلامی بوجود آورده است. دولت جمهوری اسلامی که قبلاً اساساً فحشاء را انکار می کرد، و فرهنگ ارتجاعی عفاف و پاکدامنی زن از منظر صرفاً روابط جنسی شرعی را تبلیغ می کرد، امروز خود به سازماندهی جنایتی دیگر علیه زنان و با راه اندازی صیفه، تن فروشی شرعی را رسمیت بخشیده است. رژیم می که فریبکارانه ادعای بازگرداندن حیثیت انسان را می کرد خود به سازماندهی دختران و زنان برای تن فروشی اسلامی و فرستادن زنان و دختران به کشورهای خارجی برای کسب اطلاعات و تن فروشی مشغول است.

اما این تنها یک روی وضعیت زنان در جامعه امروز جهانی و ایران است، روی دیگر آن تلاش زنان جهان و فعالین جنبش زنان در ایران است که در سال گذشته دارای دست آوردهایی بوده اند، اگر دولت آمریکا به سپردن افغانستان به طالبان بزرگترین جنایت را علیه زنان افغانستان

کرده است ولی در زیر سلطه فاشیستی مذهبی طالبان زنان پیشرو افغانی یک دم از اعتراض و تظاهرات خیابانی و درخواست های روشن باز نایستاده اند و نمونه خوبی از مقاومت و سرسختی و شجاعت در مبارزه علیه مردسالاری را به نمایش گذاشتند. بایستی احترام عمیق خود را به این زنان شجاع و متهور افغانی بجای آورد.

دولت ترکیه نیز در حال تلاش برای خروج از کنوانسیون منع خشونت علیه زنان است. اما زنان ترکیه در اعتراضات به این طرح تظاهرات و کمپین های متعدد و آگاه گرایانه خوبی را به پیش برده اند.

در بسیاری از مناطق جهان کشتن، خود سوزی و خود کشی زنان به امر عادی تبدیل شده است و قوانین دولت ها با اهمال و چشم پوشی بر این جنایات، خود در ستم و سرکوب زنان دست بالا را دارا هستند.

در جهان کنونی گرایشات مختلفی در جنبش زنان، علیه مرد سالاری و ستم جنسیتی وجود دارد. اول جریانات فمینیستی بورژوازی که مبارزه علیه مردسالاری را صرفاً در حیطه مبارزه زنان و آنها از طریق دولتی و تغییر و رفرم در ساختارهای ضد زن اجتماعی می بیند که در طیف های گوناگون آنها از راست ترین گرایشات ضد مرد تا پرچم دفاع از آزادی از وضع موجود را در خود دارد.

جریان دوم که تاثیر گذارتر هستند جریان فمینیست های سوسیال دمکرات می باشند که مبارزه برای برابری زن و مرد را قابل تحقق در جامعه سرمایه داری دانسته و سوسیالیسم و آزادی کل بشریت را از جمله زنان را مقید به تغییر نظام سرمایه داری نمی دانند. قوی شدن سوسیال دمکراسی بعد از شکست و فروپاشی شوروی برای این جریان قدرت دخالتگری بیشتری را فراهم آورده است.

گرایش دیگری که در جامعه زنان تاریخاً پایدارتر و واقعی تر است جنبش انقلابی زنان کارگر جهان است که اولاً روز جهانی زن را پایه ریزی کرد ثانیاً می توان به جرأت گفت که اکثر جنبش های زنان مترقی را یا سازماندهی کرده و می کند و یا در رهبری اکثر آنان زنان نقش برجسته ای ایفاء می کنند. این گرایش در عین دفاع از مبارزه زنان علیه مردسالاری و خواست های مترقی زنان، حل مشکل زنان را در حیطه حل تضادهای طبقاتی می بیند و معتقد است که بدون رهایی کل بشریت مبارزه زنان برای برابری و رهایی از جامعه مردسالار به نتیجه نهایی نخواهد رسید. تنها سوسیالیسم



به یاد داشته باشیم که دهها نفر از زنان مبارز ایران بخاطر دفاع از حقوق خود در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی به سر می برند، زنانی که بدون مبارزه آنها امروز جنبش زنان نمی توانست در این موقعیت مثبت تاریخی کنونی در رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ایران قرار داشته باشد. هیچ تغییرات اساسی بدون شرکت زنان نمی تواند تحقق پذیرد.

پرویز باد روز جهانی زن روز همبستگی زنان جهان علیه مردسالاری، ستم و استثمار ایجاد تشکلات زنان مستقل. زنان متشکل قادر به احقاق حقوق پایمال شده اجتماعی خود هستند.

بیاد رفیق علی صادقی... بقیه از

صفحه ۱

سالیان دراز پشتیبانی از مبارزات مردم ایران را از نزدیک مشاهده کنند. سر وقت، یکی از رفقا بالای سکوی موقتی که از قبل توسط کارگروه تدارکاتی آماده شده بود میرود و هدف برگزاری میتینگ را که درمورد عملکرد سازمان انقلابی بود اعلام می کند. او قبل از واگذاری سکوب به رفیق دکتر صادقی چنین بیان می کند: دکتر علی صادقی از بنیانگذاران سازمان انقلابی، سخنان روز است تا مسیر پر پیچ و خم مبارزه‌ای که این سازمان در این دو دهه علیه رژیم سرمای داری شاه و اربابان امپریالیستی آن به پیش برده را تشریح کند. او پس از سالها زندان، با شکسته شدن درهای زندانهای شاهنشاهی از طریق انقلاب، همانند بیش از هزار زندانی دیگر، مورد استقبال رفقا ودوستانش قرارگرفته است. او هنوز چند جمله‌ای بیش نگفته که گروهی با پرچم‌های سیاه الله اکبر خمینی رهبر جمعیت را دور میزدند به این قصد که میتینگ را برهم زنند. این اوباشان رذیلانه فحاشی نیز می کردند. اغتشاشی برپا و دراین میان زهرا خانم این گروه حزب الهی را هدایت می کرد. زنی که رو به زنان بی حجاب که در میتینگ شرکت کرده بودند شعار "یا روسری یا توسی" را در پیشا پیش صفوف گروه اخلاک‌گر می داد و این آغازی شد از حرکت زن ستیزی روحانیت به قدرت رسیده که همچنان تا به امروز ادامه دارد.

تو گویی از پیش تدارک دیده بودند، زیرا که به ناگاه سر وکله دسته مسلح کمیته پیدا شد و دست در دست هم برای برهم زدن

طبقاتی میباید توضیح داد. بدین جهت فقط با ارائه راه حل سوسیالیستی و کمونیستی میتوان به چگونگی حل نهائی رفع ستم جنسی در جامعه پاسخ داد. از این رو زنان کمونیست در دو عرصه درگیر مبارزه هستند: مبارزه طبقاتی در کل جامعه، مبارزه ویژه در امور زنان علیه ستم جنسی؛ رهائی زنان با توجه به عمل کرد جوامع طبقاتی تا کنونی، در گرو هم سو شدن مبارزات رهائی بخش آنان با مبارزه برای براندازی سلطه طبقات استثمارگر بوده و لذا تنها سوسیالیسم است که زمینه را برای رهائی کامل زنان از استثمار و ستم طبقاتی و جنسی فراهم خواهد ساخت. با توجه به دیدگاههای حزب رنجبران و برگرفته از خواست های زنان در ایران و تجربیات تاریخی، حزب خود را مدافع درخواست زیر دانسته و برایش مبارزه خواهد کرد.

- "دفاع از ایجاد تشکل واحد و سراسری زنان جهت مبارزه علیه نظام مردسالاری، - مبارزه برای برسمیت شناختن حق طلاق توسط زنان، - مبارزه برای کوتاه کردن دست دین از دخالت در امور زنان، - مبارزه جهت به رسمیت شناختن ۱۷ اسفند (۸ مارس) به عنوان روز جهانی زن، - مبارزه علیه پوشش اجباری، سنگسار و چند همسری و صیغه، مبارزه برای پذیرش حق سرپرستی کودکان برای زنان، - مزد و حقوق برابر در مقابل کار برابر زنان با مردان، - مبارزه برای ایجاد اشتغال کامل زنان، - مبارزه برای داشتن حق استراحت حداقل ۲ ماه قبل و ۳ ماه بعد از زایمان با پرداخت کامل حقوق، - مبارزه برای ایجاد شیرخوارگاه در نزدیک محل کار زنان، نگهداری رایگان کودکان در موقع کار زنان و عدم کسر حقوق در زمان شیر دهی، - مبارزه برای از بین بردن مناسبات متکی بر تن فروشی، آزادی زنان در کنترل بدن خویش، از جمله حق سقط جنین و کنترل تولید مثل، - دفاع از حق برابر زنان و مردان در عرصه های مختلف اجتماعی و رفع هر گونه تبعیض جنسی، - مبارزه علیه مردسالاری در جامعه و در خانواده، - مبارزه برای جرم شناختن هر گونه آزار جنسی و تحقیر و توهین به زنان، تجاوز، ضرب و شتم، وادار کردن آنها به تن فروشی و غیره، - ایجاد خانه های امن برای نگهداری زنانی که مجبور به ترک خانه شده اند، - مبارزه برای ایجاد امکانات ویژه جهت رشد زنان به خاطر استفاده از امکانات برابر با مردان در جامعه، - مبارزه برای حذف محتوای ضد زن در کتابهای آموزشی و نیز در رسانه های تبلیغاتی و ارتباط جمعی."

است که با انهدام جهان کهن طبقاتی و ایجاد دنیای "از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش" در مرحله اول این دوره دست به حل تاریخی تحت ستم مضاعف بودن زنان خواهد زد.

برنامه حزب رنجبران در این باره با تحلیل از جنبش زنان می گوید:

"وضعیت زنان ایران: - استمرار هزاران ساله فرهنگ طبقاتی مرد سالار و عقب مانده سنتی و حاکمیت سیاه رژیم مذهبی مسلح به پوسیده ترین قوانین زن ستیز در ۲۸ سال گذشته در ایران، زن را به نیمه انسانی تقلیل داده است، که سنگسار میشود، به کنج خانه رانده میشود، برای گذران زندگی خود مجبور به تن فروشی میگردد، حق سرپرستی فرزندان را ندارد، حق انتخاب لباس ندارد، و ... - فروتری زنان به عنوان نیمی از جمعیت ایران طی قرن‌ها - که انسان زاده می شود ولی در جامعه مرد سالار آزادیش را از دست داده و «زن» میگردد - یکی از محورهای اساسی مبارزات برابری طلبانه زنان است. فرهنگ طبقاتی، آداب و رسوم ارتجاعی و باورهای مذهبی پوسیده که به طور همه جانبه (محسوس و نامحسوس) در تمام شئون زندگی عمل میکند و امتیازات اجتماعی مردان - که نیم دیگر جامعه هستند - آنها را در قالب پدر، همسر، برادر و پسر، به مالک زن تبدیل نموده است؛ - استثمار مضاعف زنان توسط سرمایه، در سطح جامعه و به عنوان ابزار تولید مثل و کار درخانه در دست مرد، آنان را به بردگانی در خانه و کالائی در جامعه مبدل ساخته است؛ - سیمای عمومی که در بالا آمد، همراه با هزاران محدودیت دیگر، از یک سو کشور ما را به زندان بزرگی برای زنان تبدیل کرده و از سوی دیگر روحیه مقاومت و مبارزاتی آنان را علیه رژیمی که سلطه مرد بر زن را یکی از وظایف شرعی خود میدانند و هویت زن را در جنسیت اش میشناسد، چون آتشفشانی آماده انفجار نموده است؛ - بنابراین، مسئله زنان و نقش برجسته آنان، که یکی از محورهای اساسی مبارزه علیه استثمار انسان از انسان به طور عام و علیه جمهوری اسلامی به طور خاص میباشد، اهمیت ویژه‌ای یافته است. بدین جهت ضروری است به خواسته‌های عمومی جنبش زنان و سازماندهی مستقل آنان پاسخ مشخص داد و بر اهمیت و ارتباط تنگاتنگ نابرابری جنسی با حاکمیت سرمایه تأکید نمود و از این طریق ریشه کن کردن کلیه مناسبات نابرابر در جامعه را که در گرو انهدام نظام

پرولتاریا نمی تواند بدون آزادی کامل زنان، به آزادی دست یابد



ریشه ای تاریخی صد ها ساله در ایران داشت و همیشه همسو و همراه بعنوان ابرازی در دست قدرتمندان بود اینبار فرصت یافتند خود مستقیم جایگزین نظام شاهنشاهی شوند و تا امروز همچنان براریکه قدرت نشسته اند. آنها در دوران سلطنت در زمانی که دستگاه امنیتی ایران هر گروه سیاسی کمونیستی را نابود می کردند، توانستند بیش از صد وهشتاد هزار حوزه مذهبی بوجود آورند. درست این قدرت از پیش ساخته در سایه شاه و دستگاه امنیتی ایران است که می تواند با کمک امپریالیست ها به آسانی سرکردگی خیزش میلیونی توده ها را به کف آورد و انقلابی توده ای که در پی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است منحرف سازد. بعبارت دیگر نظام رستاخیزی تک حزبی محمد رضا شاهی ضد کمونیست با پیروی از سیاست امپریالیستی کمربند سبز برژنسکی رئیس شورای امنیت رئیس جمهور کارتر، زمینه را برای روی کار آمدن خمینی تدارک دید.

اسناد بسیار معتبری حکایت از این دارد که دشمنان خارجی ایران یعنی قدرت های امپریالیستی نقش بسیار فعالی در این روند انحرافی بعهده داشته اند. امپریالیسم آمریکا بنابر ماهیت قدرت سیاسی سرکرده گرا خود نزدیکترین نوکران حلقه به گوش خود محمد رضا شاه را جلو پای خمینی قربانی کرد. دستگاه امنیتی ایران وارثش شاه ساخته ایران را مجبور کرد درست خود را در خدمت خمینی قرار دهد.

نیروهای چپ و کمونیست و جنبش کارگری هم با تمام از خود گذشتگی ها در طول دوران پهلوی بخاطر پراکندگی صفوف و وجود تشتت خط مشی در میان آنها نتوانستند در صف آراییی طبقاتی متحد و یک پارچه به میدان آیند. درست بهمین علت حاکمیت نوین توانست یک بیک این نیروی عظیم واز جان گذشته را درو کند. درسی مهم که هنوز کمونیستها از آن پند نگرفته اند .

در چهار زمینه بالا سخن بسیار گفته شده است اما در نتیجه گیری از این نکات هنوز اختلاف نظر موجود است. ما در زیر با حرکت از این نکات اوضاع کنونی را مورد بررسی قرار می دهیم. در اوضاع تغییر یافته چهار دهی گذشته چه در سطح جهانی و چه در سطح داخلی تغییرات شگفتی رخ داده که باید در تحلیل خود به حساب آورد. امروز

او به مدت سه دهه همچنان پرچم حزب رنجبران ایران را بر افراشته نگهداشت و در بروز کردن برنامه و خط مشی حزب در این سه دهه با خلاقیت و زحمات شبانه روزی توانست در تداوم بخشیدن به فعالیت حزب رنجبران موفق شود، این تشکیلات همچنان با قدم های استوار به پیشروی خود ادامه می دهد

یاد رفیق صادقی عزیز را گرامی می داریم !

در سالگرد ۲۲ بهمن بقیه از صفحه ۱

ما، از چهار کشور نادر جهان که به مستعمره تمام عیار استعمارگران اروپایی در نیامده بود از اواخر قرن نوزده که تاجران در پی تجارت بسوی اروپا روان شدند، روشنفکرانی هم که از محیط عقب مانده ی استبداد مطلقه قاجاریه به تنگ آمده بودند در جستجوی راه رهایی پا از مرزها بیرون گذاشتند. آنها از همان آغاز با دو جریان سیاسی در اروپا روبرو شدند: لیبرالیستی و سوسیال- دموکراسی - اولی از طبقه بورژوا و نظام سرمایه داری دفاع می کرد و دومی از طبقه کارگر و نظام سوسیالیستی. اولی قدرت بزرگ سرمایه داری جهان را در پشت خود داشت و دومی نیروی لایزال کارگران و توده های ستمدیده که می بایستی متشکل شوند و به نیرویی آگاه تبدیل شوند. این مبارزه همچنان تا به امروز از کوچک به بزرگ بین این دو طبقه و این دو راه همچنان تا به امروز ادامه دارد.

سلطه خمینی بر جنبش عظیم توده ای سال پنجاه وهفت و سرکوب خشن و جنایتکارانه ضد کمونیستی حکومت اسلامی لطمه بزرگ موقتی به گرایش کارگری وارد کرد اما افتاد و بلند شد و امروز همچنان با توجه به شرایط تغییر یافته در حال خیزش است.

داده های اساسی و انکار ناپذیر در باره انقلاب ۵۷ کدامند؟

در بهمن ۵۷ شمسی یکی از نادرترین اتفاق جهانی رخ داد. در کشوری زیر چهل میلیون جمعیت، میلیون ها انسان، از سراسر کشور، از ملیت های گوناگون، فرار شاه را به فال نیک گرفتند، نظام شاهنشاهی ایران را برانداختند .

خمینی و فرقه شیعیگری حکومت اسلامی که

میتینگ دست به کار شدند . گارد محافظ رفیق علی صادقی، توانستند بلاخره او را از چنگال این اوباشان نجات دهند. اما پس از ساعتی درگیری اعضای مسلح کمیته سه نفر از رفقای ما را دستگیر کردند و با خود بردند. این شد آغازی از تجاوز رژیم تازه به قدرت رسیده علیه آزادی بیان و آزادی تشکیلات که خمینی به دروغ قول آنرا داده بود.

رفیق علی صادقی در تمام طول مبارزه سیاسی خود و از همان دوران نو جوانی بصورت تشکیلاتی فعالیت سیاسی خود را تداوم بخشیده بود و اکنون پس از آزادی از زندان از همان آغاز برای وحدت تشکل های کمونیستی دست بکار شده بود. تجربه زندان و همکاری و نزدیکی او با دیگر نیروهای کمونیستی در زندان، او را در این امر مصمم کرده بود او به اینکه چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است اعتقادی مبرم داشت. او درعین حال، در دوره همکاری اش با ”نشریه توده ” توانسته بود تاریخ جنبش های اولیه کارگری و کمونیستی ایران و حزب توده را به نگارش درآورد. به درستی او وظیفه مرکزی خود را کوشش در جهت وحدت کمونیست ها قرار داد و سازمان انقلابی در مدتی کوتاه با شرکت چند تشکل دیگر، کمیته وحدتی را سازمان داد و بلاخره پس از یک سال تبادل نظر، بصورت تشکلی همراه وهمسو توانستند براساس اصول مارکسیست- لنینیست - اندیشه مائوتسه دون و برنامه یکی شوند و حزب رنجبران ایران را در طی کنگره ای در تهران بنیاد گذارند. این اولین و تا بحال آخرین موفقیتی است که کمونیست های ایران توانسته اند روند تدارکی وحدت را به نتیجه رسانند و تشکیلات یکدست خود را از این طریق با نفی دیالکتیکی خود بوجود آورند. زحمات رفیق صادقی در چنین موفقیتی نقش مهمی داشته است، تجربه ای که امروز با پراکندگی تشکل های موجود می تواند بکار گرفته شود.

علاوه براین او جزو اولین کادرهای حزب بود که در کنگره دوم حزب رنجبران که در سال ۱۳۶۳ که در کردستان تشکیل شد در مورد نقشه عقب نشینی کادرهای لورفته و انتقال آنان به منطقه کردستان نقش فعالی داشت و بار دیگر به عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

بیش از یک دهه سازماندهی در کردستان، با فروکشی جنبش و گسترش پراکندگی حزب ناچار به ترک منطقه کردستان شد و برای ادامه کار، مرکزیت خود رابه خارج از کشورانتقال داد.



باردیگر نظام حاکم در بحرانی ساختاری- اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرفتار آمده است و از سوی دیگر کارگران و توده های وسیع مردم نا رضایی خود را از این اوضاع در خیابان ها و طی جنبش های عظیم مردمی بروز داده اند.

پرسش اینجاست فرایند این اوضاع به کجا می کشد؟ چکار طبقه کارگر و گرایش سیاسی ای که جزوی از این طبقه است باید کند تا باردیگر همان اتفاقی که پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی افتاد دچار نشود؟ چه اقداماتی را باید در نظر گرفت که بار دیگر جنبش های توده ای منحرف نشوند، باردیگر جلسه گوادولپی سرنوشته آنرا قلم نزنند و از همه مهمتر نیروهای کارگری و زحمتکش که اکثریت عظیم مردم ایران را تشکیل می دهند قدرت سیاسی را به کف آورند.

آن چهار عامل یعنی توده ها، نظام سیاسی حاکم، قدرت های سلطه گر خارجی و نیروهای چپ و کمونیست و جنبش کارگری که در انقلاب بهمن موثر بودند همچنان در صحنه هستند و در فرایند تکاملی اوضاع کنونی ایران دخیلند. چگونگی حل درست مناسبات این چهار عامل که پیچیدگی و بغرنجی خاصی را به صحنه مبارزه طبقاتی در ایران میدهند، از مشکلات بزرگ جنبش انقلابی ماست.

اولین و مهمترین نکته درک این اصل اساسی است که انقلاب امر توده هاست و توده ها نقش تعیین کننده ای در برپایی انقلاب ۵۷ داشتند و بدون آنها نه خمینی، امام و نه جلسه گوادولپی موثر در تغییر جهت آن می شد. امروز بار دیگر برای تغییر و انقلاب پا به میدان گذاشته اند. بی شک بار دیگر توده ها این رژیم سرمایه داری حاکم را به زیر خواهند کشید. اما یکبار ثمره مبارزاتشان را طبقه بورژوازی با یاری امپریالیسم برد و تا امروز می خورد. همچنان که دستاورد های انقلاب مشروطیت را با کودتای انگلیسی ۱۲۹۹ پایمال کردند امروز هم همان طبقه و نمایندگان آن دست در دست امپریالیسم در پی آنند که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با جایگزینی یک نوع به اصطلاح پرو دموکراسی غربی به سر انجام رسانند.

البته توده ها درست است که همگی ستم دیده و استثمار شده هستند اما طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری در براندازی نظام سرمایه داری حرف اول را می زند چون عمده ترین نیروی مولده است، چرخ تولید با

دست توانای کارگران می گردد و مهمتر اینکه نظم آهنین سرمایه داری آنها را به یک نیروی منظم و کاری و گورکن خود تبدیل کرده است. با توجه به اینکه بورژوازی ایران به دویخش حاکمیت و مخالفان آن تبدیل شده اند و هنوز قدرت های امپریالیستی در میان بورژوازی دارای پایه های مادی اند خطر دخالت گری خارجیان و سوق دادن نیروهای توده ای بسود بورژوازی بار دیگر همچون آستانه انقلاب ۵۷ موجود است. امروزه شعار براندازی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نه تنها جزو خواست های توده هاست بلکه بخشی از بورژوازی و خرده بورژوازی ایران همسو با امپریالیسم آمریکا از این شعار پیروی می کنند. حتا همانند سال ۵۷ بعضی احزاب چپ و نهادهای چپ هم در همین صف قرار دارند. طبقه کارگر، کادری های آگاه و پیشرو طبقه کارگر، کمونیست، سوسیالیست ها، تشکل های مستقل طبقه کارگر کلیه تشکل های مستقل اجتماعی و وظیفه اساسی دارند با تمام نیرو در کلیه زمینه ها از اقتصادی گرفته تا سیاسی و ایدئولوژیک برای پیروزی خط مشی سیاسی انقلابی که هدفش تنها براندازی رژیم جمهوری اسلامی نیست بلکه مهمتر جایگزینی آن با نظام نوین سوسیالیستی است همسو و همراه شوند. این خط مشی سیاسی در برگرفته اکثریت عظیم مردم ایران یعنی ستم دیدگان و استثمار شوندگان است که چنانچه متشکل شوند، در یک صف مشترک با هدف سوسیالیستی مبارزه کنند، قادرند مشتم کوچک مافیای سرمایه داران که قدرت سیاسی را در انحصار خود در آورده اند به زیر کشند و نظام نوینی را در موجدی انقلابی و در وسیعترین بسترهای دموکراتیک تا حد نود و نه درصد مردم بنیاد نهند.

حزب رنجبران ایران در افق روشن انقلابی جهانی و ایران پیروزی چنین خط مشی عمومی را حتمی می داند با اینکه نیک آگاهست راهی سخت، پر از پیچ و خم و در نتیجه طولانی در پیش است اما راهی است مطمئن، با هدف کاملن روشن طبقاتی و پیروزمند. درست بر اساس چنین مشی عمومی سیاسی جمع بندی شده از تاریخ صد ساله مبارزات طبقه کارگر در برابر بورژوازی و خرده بورژوازیست که روی نکات زیر بعنوان پلاتفرم چپ سوسیالیستی برای تحقق انقلاب سوسیالیستی نکات زیر را مطرح می کنیم: بگذارید از چند نکته تغییر یافته مشترک آغاز

کنیم یکم - اساسی ترین نکته تغییر یافته اینست که اکثریت بر سر مرحله کنونی انقلاب توافق دارند که جامعه ایران با تمام ویژگی هایش امروز به جامعه ای سرمایه داری تبدیل شده است. دیگر نه حرفی از کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال در میان هست و نه حرفی از دو مرحله بودن انقلاب. درد زایمان انقلاب اجتماعی سوسیالیستی به درد همگانی طبقه کارگر هیچ بودگان و گرایش های آگاه متشکل کمونیستی تبدیل شده است. حزب رنجبران ایران با توجه به تغییرات واقعی در نظام تولیدی ایران به این نتیجه رسیده است که جامعه ایران سرمایه داریست و انقلاب پیش روی ما انقلابی سوسیالیستی است و لا غیر. بخوبی دیده می شود که دیگر احزاب و سازمانها و منفردان چپ هم در این راستا در حرکت بوده اند و امروزه وحدت نظر گسترده ای در این زمینه موجود است.

دوم - نکته اساسی و اصولی دیگر برخورد به تئوری راهنماست. در آستانه انقلاب ۵۷ تشتت فکری گسترده ای در میان نیروهای چپ و کمونیست موجود بود. هر دسته و گروهی کتاب دعای خود را زیر بغل داشت. امروز دیگر با گسترش ارتباطات جمعی و رشد نیروهای مولده، آموزش کارجمعی، جنبش چپ و کمونیستی با خیزش پر قدرت جنبش تشکلات مستقل کارگری در ایران بیش از هر زمان دیگر از گرایش های دنباله روی از شخصیتها و ایسم ها دوری جسته به کمونیسم همچون علمی برخورد می کنند. علمی که قدرتش در تلفیق آن با شرایط مشخص است. مهمتر اینکه در این روند تکاملی، کارگران و زحمتکشان نقش تعیین کننده ای در درستی و نادرستی تئوریها و سیاستها به کف آورده اند و تئوریها و سیاستها و سقم خود را با محک خوردن در عمل و پذیرش از طرف توده ها ثابت می کنند.

سوم - نکته ای که بنظر می رسد به مخرج مشترک جنبش کارگری و کمونیستی تبدیل شده است آنهم حل مناسبات میان سازمان پیشرو طبقه کارگر و خود طبقه کارگر است. امروز اکثریت چپ و کمونیست، آنهایی که روی اهمیت تشکیل حزب سیاسی طبقه کارگر انگشت می گذارند بر این نظرند که حزب کمونیست جزوی جدا ناپذیر از طبقه کارگر باید باشد، استخوانبندی اش را کادریهای پیشرو کارگری باید اساسن تشکیل دهند.



رشدی رسیده که مبارزه مشت در برابر مشت می باشد، تاکتیک‌های مبارزاتی طبقه کارگر و توده‌های زحمت‌کش باید در دست زدن به هر عملی این وضعیت عینی موجود مبارزاتی را به حساب بیاورد.

تاکتیک‌های مبارزاتی به حساب توان هر نیروئی تعیین می شود. آن چه که امروز این توده‌های تحت استثمار و ستم از آن برخوردار هستند، وجود چهار نیروی بزرگی است که فقط متعلق به آنهاست و باید از این نیروها به بهترین وجهی در پیش‌بردن خواست‌های خود بهره‌مند شوند که عبارتند از:

- نیروی بازوی تولیدی کار؛
- نیروی سازمانده ارتباطاتی؛
- نیروی فکری تولید وسایل تولیدی کار؛
- نیروی انسانی دراکثریت عظیم جوامع جهانی.

پر واضح است که با از کار انداختن تولید توسط این چهار نیروی کار توسط این اکثریت عظیم در هر کشور، درست مثل شکستن جان بطری دیو حاکمی است که در دست این نیروهاست و قادر به زنده ماندن این دیوها نیست. رسیدن به این آگاهی از توانائی توده‌های کار و زحمت و به کار بستن این آگاهی در رهائی از ظلم و ستم موجود کنونی، در پایان دادن به حاکمیت مشتی میلیونر و میلیاردر که در عشرتکده‌ها در ناآگاهی ماندن اکثریت توده‌ها قهقهه سر می دهند و حاکمیت‌شان برقراراست، در عمل تاریخ ساز بشریت خواهد بود.

نظام سرمایه‌داری به آخر خط رسیده و عملکردهای سرانی چون ترامپ با درآوردن شمشیر زورگوئی از غلاف برای حفظ حاکمیت این نظام، پیام روشنی به اکثریت مردم جهان می باشد. تاکتیک "آهسته بیا، آهسته برو، که گربه شاخت نزند" حقانیت خود را در این دوره تاریخی در مقابله با این نظام افسارگسیخته سرمایه‌داری از دست داده است. گرچه هنوز رویزونیست‌ها، اپورتونیست‌ها، رفرمیست‌ها و مدافعان خجول نظام سرمایه‌داری به دنبال مغالزه با کلیه‌ی دستگاه‌های موجود خادم نظام سرمایه‌داری هستند و به ایجاد توهم در میان توده‌ها با لطایف الحیل می پردازند، وظیفه‌ی کمونیست‌ها در مقابله با این انحرافات چه در ارتباط با طبقه کارگر و زحمت‌کشان و چه در رابطه با خود کمونیست‌ها ضروری است با شعار پرچم وحدت خواهی، مبارزه متحد و یکپارچه جهت رساندن حرکت‌های مبارزاتی اعم از

تاکتیک‌های مبارزاتی... بقیه از صفحه ۱

دانشگاه‌ها، تأمین زندگی شایسته معلمان که نقش مهم آموزشی را در خدمت بیش از ۱۵ میلیون دانش آموزان دارند، ایجاد مدارس نوساز که بخش بزرگی از آنها در سراسر ایران که یا به سطح کلنگی رسیده‌اند و یا در مناطقی نظیر بلوچستان کودکان برای تحصیل در زیر کپر‌ها و آسمان کبود کلاس‌های درس جمع می شوند، در بی توجهی خونسردانه حاکمان قرار دارند. در سطح بهداشتی هزینه‌های تحمیلی و فشار طاقت فرسا به پرستاران به ازاء شندرغاز مزدی پرداخت می شود که جز تحمیل زندگی در فقر آنها می باشد، و یا از تأمین مسکن ارزان که نزدیک به نیمی از مزد کارگران و زحمت‌کشان را از جیب آنان خالی می کنند و بسیاری توده‌های پناه آورده به شهرها از روستاها تا لقمه نانی در کارکردن در شهر بدست آورند و در فاجعه آبادهای اطراف شهر با مرگ و زندگی مواجه هستند، و یا از تأمین جدی آب آشامیدنی در روستاهائی به طور مسئولانه‌ای احتراز می جویند، همه و همه نشانی هستند از تاکتیک‌های سرکوبگرانه رژیم حاکم در حفظ منافع و موقعیت برتر خود در برخورد به خواست توده‌ها.

اگر به عملکرد جدید رژیم سرکوبگر حاکم توجه کنیم حتا جلو پنجاهمین سالگرد تأسیس کانون نویسندگان ایران را مانع می شود، مسئولان این کانون به علت محدودیت‌های رژیم در عدم احترام به حق دموکراتیک این تشکل، آنان نه با تبلیغ علنی، نه با برگزاری آن به طور آزاد، بلکه تن دادن به جمع شدن نویسندگان در خانه یکی از اعضای این کانون، نیروهای سرکوبگر با هجوم وحشیانه به این خانه و ضبط تمام آن وسایلی که مربوط به فعالیت کانون درگذشته نصب شده بود، مانع از تشکیل این سالگرد می شوند.

اگر به عمل کرد رژیم حاکم با منتها درجه قساوت حتا در جلوگیری از حق کارگران در تشکیل سندیکا و یا در به خون کشیدن اعتراضات دیمه ۱۳۹۶ توده‌های کارو زحمت توجه داشته باشیم، دیگر جائی برای خیال بافی به برخورد مسالمت آمیز این رژیم نباید داشت که تا بدانجا پیش رفته که به خاطر منافع خود حتا قانون اساسی خود نوشته‌اش را هم به اجرا در نمی آورد!

به این ترتیب، با درنظر گرفتن این که مبارزه طبقاتی بین سرمایه‌داران و کارگران به چنان

اصول و برنامه ما یکم - کمونیسم علمی تئوری راهنمای ماست که نیرویش در تلفیق با شرایط مشخص جامعه ایران است

دوم - جامعه ایران؛ جامعه سرمایه داری نئولیبرالیستی است که دارای پیوند صد ساله با سرمایه جهانی وامپریالیستی دارد سوم - تنها سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی می تواند ستم‌دیدگان و استثمار شونده‌گان محتوای ایران را از وضع کنونی نجات دهد. وظیفه آن براندازی نظام خصوصی مالکیت وسایل تولید و جایگزینش با نظام مالکیت اجتماعی، نوسازی همه جانبه افکار و عادات آحاد جامعه و تدارک برای عبور به جهانی کمونیستی است

چهارم - برنامه انقلاب سوسیالیستی ایران، برنامه ایست برای گذار به جامعه کمونیستی که در آن نه دیگرستمی؛ نه شکنجه و اعدامی، نه تفتیش عقاید و سانسوری، نه تخریب محیط زیست و نابودی طبیعت و هرکس طبق استعدادش سهمی به جامعه ادا می کند و طبق احتیاجش سهمی بر می دارد.

پنجم - پیش‌برد چنین برنامه ای احتیاج به سازماندهی عظیم نوینی دارد که نه تنها از شرایط کنونی جامعه ایران حرکت کند بلکه با جمع‌بندی از تجارب جهانی و مبارزه طبقه کارگر ایران در این صد سال گذشته قدم های آگاهانه و منظمی بردارد.

- چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. چنین است حلقه ی اصلی زنجیری که باید بدست گرفت

بدون تشکل های مستقل کارگری و دیگر جنبش های توده ها، حرفی از انقلاب سوسیالیستی، ایجاد حزب کمونیست متحد و یکی شده در پیوند با آنها نمی تواند باشد. بنابراین بسط و گسترش تشکلات مستقل موجود کارگری طبق شرایط مشخص هر صنعت و رشته تولید و توزیع و خدمات از وظایف اساسی، عمده و مبرم است. انجام چنین وظیفه ستی در شرایط دیکتاتوری ولایت فقیه ایران بدون وجود تشکیلات پیشرو طبقه کارگر، ستاد آگاهی که در برگیرنده کادر های کارگری باشد یعنی حزب کمونیست امکان پذیر نیست.

ادامه دارد محسن رضوانی بهمن ماه ۱۴۰۰



تاکتیکی تا استراتژیکی به تقویت هرچه بیشتر توانائی توده‌های پراکنده و منفرد در تحقق تشکل‌های قوی و سراسری با تمام وجود تلاش کنند و به ویژه به مثابه پیشروان طبقه کارگر نمونه‌ی انقلابی مثبت پیش رفته‌ای را ارائه دهند.

این خیالی واهی خواهد بود که بدون متحد و یک پارچه شدن کمونیست‌ها در حزب کمونیست انقلابی واحد ایران، می‌توان دل خوش بود که فدراسیونهای کارگری و کنفدراسیونهای توده‌ای را ایجاد کرد، در حالی که اگر خود پیشروان کمونیست ناتوان به انجام آن باشند و حتا شعار وحدت و تشکل یابی را دهند ولی به مصداق واعظ غیر متعظ در مورد خودشان بی عمل باقی خواهند ماند و در زیر ضربات دشمنان طبقه کارگر تضعیف و نابود خواهند شد!!

ک. ابراهیم ۶- خرداد ۱۳۹۷ (۲۷ مه ۲۰۱۸)

سبد معیشت کارگران و سطح دستمزدها

براساس روال چندین سال گذشته هنوز آغاز سال رسمی شمسی شروع نشده نمایندگان کارفرما، دولت و نمایندگان کارگران که عمدتاً از طرف خانه کارگر و یا دست چین شده‌های آنان به پای میز مذاکره جهت افزایش نرخ دستمزد با توجه به تورم و سبد معیشت می‌روند و بعد از چانه زنی‌های زیاد معمولاً دولت با درصد بسیار کمی از تقاضای اضافه موافقت می‌کند. در این بده بستانی که به نام طبقه کارگر و مذاکره با بالایی‌ها انجام می‌شود، دولت ظاهراً نقش واسطه بین کارفرمایان و "نمایندگان" کارگران را بازی می‌کند. "نمایندگان" کارگران هم هر ساله با غرولند‌های واقعا تهی از یک تلاش جدی ادعا می‌کنند: کلاه سرشان رفته، ناچاراً مجبور به امضای توافق شده‌اند، موفق شدیم و... عملاً باعث کاهش دستمزدها نسبت به سال قبلی می‌شوند. حتی در سال ۱۳۹۹ با اینکه نمایندگان کارگران توافق نامه کمیسیون سه جانبه را امضاء نکردند ولی دولت و کارفرمایان آنرا اجرا کردند، اعتراض طبقه کارگر که خواهان افزایش دستمزد براساس تورم و حداقل سبد معیشت خانواده کارگری به جایی نرسید. در روند گفتگوهای این کمیسیون سه جانبه دستمزد که متعلق به طبقه سرمایه دار ایران است، طبقه کارگر همیشه متضرر شده است.

مهدی عسگری در توییتی نوشت: با تصویب کمیسیون تلفیق مبنی بر اصلاح لایحه دولت، حداقل حقوق سال ۱۴۰۰ نسبت به سال جاری به ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و حداقل حقوق بازنشستگان به ۵ میلیون تومان می‌رسد. بر این مبنا رشد حقوق‌ها پلکانی است ولی حداقل رشد نباید از ۱۰ درصد کمتر باشد.

بنابر اعلام این عضو کمیسیون تلفیق، حداقل حقوق امسال ۳.۵ میلیون تومان است و پیشنهاد دولت برای سال بعد ۴.۵ میلیون تومان بود.

همچنین محمدرضا میرتاج‌الدینی عضو کمیسیون تلفیق بودجه به خبرنگاری فارس گفت: بر اساس مصوبه کمیسیون تلفیق ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به عنوان حداقل حقوق در سال آینده تعیین شد که ۶۰۰ هزار تومان آن برای کسورات از حقوق کسر خواهد شد.

در این گزارش مشخص شده است که هنوز کمیسیون سه جانبه دستمزد تشکیل نشده کمیسیون تلفیق بودجه پایه حقوق برای حداقل حقوق کارمندان را تعیین کرده است که همیشه نسبت به حقوق کارگران بیشتر است اما همین حقوق هم تا ۹ میلیون به عنوان حداقل حقوق یک خانوار فاصله زیاد دارد به همین دلیل حتی کارمندان دولت هم که دریافتی بیشتر دارند باید دو یا سه شیفته به کارهای دیگر هم بپردازند. آیا دولت حق یک چنین عملکردی را دارد که به ضرر مزدبگیران جامعه تمام می‌شود؟ آنهم دولتی که مقوله نامه‌های سازمان جهانی کار را قبول کرده است.

سازمان جهانی کار راجع به حداقل دستمزد می‌نویسد: "حداقل دستمزد مبلغی است که در ازای انجام خدمت یا کار در مدت معین به کارگر پرداخت می‌شود و هیچ فرد و قرارداد شخصی نمی‌تواند آن را کاهش دهد و پرداخت آن به وسیله قانون تضمین شده است و کفاف معاش کارگر و خانواده اش را با توجه به شرایط اقتصادی آن کشور می‌دهد". با این تعریف سازمان جهانی کار جمهوری اسلامی ایران اولاً با تورم افسار گسیخته و کاهش پول رایج به کاهش حداقل دستمزد دست زده است ثانیاً حداقل دستمزدی را که دولت سالیانه تعیین می‌کند به هیچ وجه کفاف معاش کارگر و خانواده اش را نمی‌کند. دولت با توجه به این بند بصورت دائم توجه به شرایط اقتصادی را محملی برای کاهش دستمزدها قرار داده است.

در ایران " براساس ماده ۴۱ و ۴۲ قانون کار، شورای عالی کار موظف به تعیین حداقل مزد برای نقاط مختلف کشور و صنایع براساس درصد تورمی که بانک مرکزی در همان سال اعلام می‌کند، می‌باشد و میزان آن باید بدون توجه به مشخصات روحی و جسمی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده، معاش یک خانواده را تأمین کند. حداقل مزد باید بصورت نقدی پرداخت شود و پرداخت‌های غیر نقدی به عنوان مازاد بر حداقل تلقی می‌شود."

با هم نگاهی به آمار بالا رفتن دستمزدها تورم در ۳ سال گذشته بیانداریم تا بتوانیم روشن تر سطح کاهش دریافتی‌های کارگران و زحمتکش‌ان جامعه را نشان دهیم

۱۳۹۸	تورم ۴۱.۲٪	اضافه دستمزد ۲۷.۸۵٪
۱۳۹۹	۴۶.۶٪	۲۱٪
۱۴۰۰	۶۱٪	۴۱٪
۱۴۰۱		۲۹٪

در توضیحات جدول باید یاد آوری کرد که اضافه دستمزد سال ۱۴۰۱ بین ۵ تا ۲۹ درصد ذکر شده است که ما بالاترین آنرا نشان داده ایم. این اختلاف درصد با توجه کم کردن فاصله درآمدها از طرف دولت آورده شده است. آمارها در ایران دقیق نیستند و جمهوری اسلامی با دستکاری در آمارها بر اساس سیاست هایش تغییر می‌دهد

جدول بالا از سایت‌های داخل گرفته شده است. جدول بالا نشان می‌دهد که تقریباً هر ساله سفره کارگران نصف شده است. یعنی فقر و تنگدستی مزدبگیران هر روزه تشدید می‌شود. هنوز سال ۱۴۰۱ نیامده است ولی از هم اکنون با بالا رفتن سرسام آور قیمت‌های حداقل سبد معیشت را می‌توان ارزیابی کرد بطور مثال در تیر ماه امسال قیمت یک کیلو گوشت ماهیچه ۳۵ هزار تومان بوده است که هنوز سال تمام نشده به بالای صد هزار تومان رسیده است. یعنی حدود ۳۰۰٪ افزایش قیمت را نشان می‌دهد. به همین منوال بقیه مواد غذایی با درصد‌های کمی متغییر صعودی قیمت را نشان می‌دهد. از طرف دیگر اقتصاد تورمی در سه سال گذشته متغییرهای شدیدی از بالا رفتن مقدار تورم داشته و قیمت‌ها بدون وقفه افزایش را نشان می‌دهد. در برابر تورم عینی مقدار افزایش حقوق کمیسیون سه جانبه در واقع کم کردن ارزش خرید حقوق واقعی است، ما در بودجه امسال مانند سال‌های پیش مواجه هستیم با رشد بودجه سازمان‌های مذهبی، امنیتی و بویژه حقوق مدیران دولتی که هیچ منبای



بیشتری بر روی مزدبگیران و به ویژه طبقه کارگر وارد کنند. به همین دلیل حزب رنجبران در راستای تحقق موارد زیر که بخشی از خواست های کارگران در ایران است خود را همراه و همدوش طبقه کارگر می داند:

مبارزه برای سازمان یابی مستقل کارگران در تشکلهای محلی، منطقه ای و سراسری و در اشکال گوناگون مبارزه برای برسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض کارگران، مبارزه برای جلوگیری از اخراج کارگران مبارزه برای استخدام رسمی و طرد استخدام موقت به مثابه توطئه در برده سازی بیشتر کارگران مبارزه برای پرداخت حقوقهای معوقه و پرداخت به موقع آنها مبارزه برای بالابردن مزد حداقل کارگران به ۳ برابر مزد کنونی، با احتساب تورم سالانه، مبارزه برای ایجاد مسکن، تسهیلات جهت رفت و آمد به محل کار و غذای مجانی برای کلیه کارگران، مبارزه برای ۷ ساعت کار برای مردان و ۶ ساعت برای زنان در روز و ۵ روز کار در هفته مبارزه برای ساعات کار کمتر در کارهای سخت، خطرناک و غیر بهداشتی مضر به تن و روان کارگران مبارزه برای لغو کار شبانه، مگر در مواردی که اجتناب ناپذیر است و لغو اضافه کاری بیش از یک روز کار در ماه و با مزدی کمتر از ۵،۱ برابر مزد و یا تعطیلی معادل ۱،۵ روز عادی کار مبارزه برای تامین امکانات بهداشتی و امنیتی در محیط کار جهت حفظ سلامت کارگران و به حداقل رساندن سوانح کار مبارزه برای استفاده از مرخصی سالانه حداقل یک ماه با پرداخت کامل حقوق، پرداخت به موقع مزدها، پاداشتها و عیدی مبارزه برای تهیه قانون کار توسط کارگران که از جمله شامل خواستهای فوق باشد مبارزه برای شرکت کارگران در کنترل میزان تولید کارخانه ها جهت گرفتن سود ویژه سالانه در تمامی زمینه های فوق حزب ما می کوشد تا ضمن مبارزه برای تحقق آنها، سطح آگاهی طبقاتی کارگران را در مورد ضرورت سرنگونی بورژوازی در ایران و انقلاب سوسیالیستی برای ساختن سوسیالیسم و کمونیسم، ارتقا دهد. هر زمینه از مبارزه کارگری برای حزب ما گامی است که باید با هدف ساختمان سوسیالیسم پیوند یابد. این مسئله اساسی در مورد هر مبارزه ای در هر زمینه ی اجتماعی صادق است.

ع.غ

آمده است که مسئولین بالای دولتی باید دارایی های خود را اعلام کنند. فقط زمانی اعلام ثروت و علنی کردن اتفاق می افتد که اختلافات جناحی درون دولتی بالا گرفته باشد. جوابگویی به: تقاضا بخاطر افزایش متناسب دستمزدها با تورم و سبب معیشت، پرداخت به موقع آنها، پرداخت حقوق های معوقه و نیز مزایا، رسیدگی به صندوق بازنشستگان، صندوق تامین اجتماعی و دیگر موسسات مالی دولتی برای جلوگیری از دزدی های میلیاردی، توقف رشوه خوری و باند بازی، توقف دست اندازی بر منابع عمومی، حداقل وظیفه ای است که یک دولت بایستی انجام دهد. اما رژیم می که خود دزد و فاسد است و در تمامی شرکت های مالی عناصر وابسته به خود را با صلاحیت و بدون صلاحیت گنجانده است. رژیمی که هزار چند گاهی از دزدی های چندین هزار میلیاردی پرده بر می دارد. همیشه بودجه های خود را از طریق قرض از بانک ها (بخوان قرض از پس اندازهای مردم) تامین می کند. دولتی بی لیاقت و ناکارآمد حتی در امور اقتصاد بورژوازی خود است.

وضعیت کنونی در رابطه با حقوق کارگران صرفاً یک رابطه بین بودجه بندی و رشد و توسعه نیست. این وضعیت از منافع طبقاتی بورژوازی ایران علیه طبقه کارگر و فرودستان جامعه ناشی می شود. بودجه آن بخش از ثروت اجتماعی که در دستان دولت است، آنچنان تنظیم شده است که اکثریت مردم قادر باشند فردا هم بر سرکارهایشان حاضر باشند. ننگ نبود امکانات اجتماعی و خالی شدن سفره کارگران و زحمتکشانشان تا ابد بر پیشانی رژیم استثمارگر اسلامی نقش بسته است. اضافه دستمزدهایی از نوع کمیسیون سه جانبه نتایج خود را نشان داده است. در خارج از ایران هم اتحادیه های زرد همین رابطه را با دولت و کارفرما ها برقرار کرده اند. سرمایه داری جهان رابطه های اجتماعی را به یک شکل در آورده است وقت آن است که طبقه کارگر جهانی با درهم کوبیدن رژیم های سرمایه داری به این نابرابری عظیم اجتماعی نقطه پایانی بگذارند. مسئله افزایش دستمزدها یکی از خواست های اساسی مزدبگیران در ایران است که همیشه با کج دار و مریز رژیم جمهوری اسلامی روبرو بوده است و هیچگاه به رفاه مزدبگیران جامعه نیجامیده است. بخاطر اینکه تعادل دستمزدها اگر همراه با دیگر امکانات رفاهی اجتماعی همراه نباشد، رژیم های سرمایه داری می توانند با گران کردن کالاها هر لحظه که خواستند فشار

محاسباتی نداشته و براساس گزارشات داخلی و نظر دولت که کاملاً فساد آلود و در آن باند بازی و رشوه دهی به دوستان و است و در این چهارچوب به شیوه ظاهراً قانونی افزایش حقوق مقامات دولتی جریان دارد. نگاهی به افزایش حقوق دیگر اقشار زحمتکش ایران مانند معلمان و پرستاران و بازنشستگان که همین وضع ناهنجار هم برای آنها وجود دارد. از زمان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در بودجه تمامی سالها حقوق کارمندان دون پایه و کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان هیچگاه با درصد تورم اقتصاد ایران همخوانی نداشته است و همیشه افزایش حقوق از درصد تورم به مراتب پایین تر بوده است.

تعیین حقوق حداقل دستمزد ماهیانه کارگران به ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای یک خانواده کارگری با دو فرزند کفاف ۱۵ روز یک خانواده را در شهرستان ها می کند. حداقل درآمد برای کسانی که در تهران زندگی می کنند ۱۳ میلیون و در شهرستان ها ۱۲ میلیون است. دستمزد کنونی خود مشوق و باعث گسترش فقر و از هم پاشیدن خانواده ها و ازدیاد کارتن خواب ها و می شود. رژیم جمهوری اسلامی به مثابه نمایندگان طبقه دارا برای بیرون کشیدن هرچه بیشتر سود از کار کارگران و زحمتکشانش عملاً با تمام بوق و گرنایی که براه انداخته است دستمزد کارگران و حتی کارمندان را کاهش داده است. کاهش دستمزدها چند سال است که از زیر خط فقر هم گذشته است و امروزه دیگر در سفره مردم فرودست اجتماعی میوه و گوشت یا خبری نیست و یا بشدت به مثابه یک غذای لوکس کم شده است. خامنه ای در گذشته می گفت که سختی های کنونی در آینده برای ما رفاه و نعمت به همراه دارد ولی با ولع و حرصی که سرمایه داری ایران دارد سخنان خامنه ای فقط فرییبی در جهت آرام کردن صدای اعتراضات مردم بود. اینک نتایج مدیریت اقتصادی رژیم در بیش از ۴ دهه در حقوق مردم و سطح رفاه آنان خود را نشان می دهد. وضعیت اسفناک کنونی در رابطه با حقوق کارگران و خود نتیجه سیاست مشخص سرمایه داری ایران است. برخی خبرها باور کردنی نیست بطور مثال برخی معلمان حق التدریسی حقوق هایی بین ۱ تا ۲ میلیون دریافت می کنند. در این هرج و مرج دستمزدها که با منافع حاکمیت کاملاً تطابق دارد، هیچگاه بودجه ای که به بیت رهبری داده می شود و حقوق های رسمی داده شده به مدیران بالای دولت و مشخص نشده است. حتی با اینکه در قانون



رفیق آیت گودرزی درگذشت

رفیق آیت گودرزی از رفقای گرامی ما، از اعضای کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی - واحد تکزاس، عضو سازمان انقلابی حزب توده ایران در آستانه انقلاب بنا بر خواست تشکیلات به ایران برگشت. از آنجا که او از میان یک خانواده کارگری برخاسته بود توانست به صفوف مبارزات کارگری در حال خیزش بپیوندد.

پس از حمله ی سراسری رژیم جمهوری اسلامی به تشکیلات حزب رنجبران ایران او در شیراز دستگیر شد اما دستگاه امنیتی نتوانستند هویت تشکیلاتی او را کشف کنند و تنها او را به چهارسال زندان در ارتباط با فعالیت های سیاسی محکوم کردند. پس از آزادی تا آخرین روزهای زندگی او همچنان وفادار به باور های اساسی اش در دفاع از طبقه کارگر باقی ماند. رفیق آیت در شرایط سخت مبارزه حزب رنجبران ایران، هنگامی که حزب وارد فاز مقاومت مسلحانه در برابر رژیم شد با رشادت کامل، کلیه وظایف پر خطر حزب را، با دقت و بخوبی به سر انجام رسانید.

یادش برای همیشه زنده خواهد ماند.

کاپیتالیسم به کمونیسم" می نویسد: برخی از دولت های بورژوازی هم می توانند تا حد مشخصی رفتارهای سوسیالیستی داشته باشند، فقط با این تفاوت که به هر حال سرمایه داری بر راس هرم قدرت ایستاده است. اما این دیدگاه ساده انگارانه، اصلی ترین نکته را نادیده می گیرد: حکومت های طبقاتی بورژوازی به جز در محدوده های کوچکی، اساساً نیازی به آموزش سیاسی/اجتماعی اکثریت قریب به اتفاق توده ها ندارند، اما این مطلب برای حکومت دیکتاتوری پرولتاریا عنصری حیاتی، همچون اکسیژن جهت تداوم بقا می باشد.

تروتسکی می نویسد که: " به لطف مبارزه آشکار و رودررو و مستقیم در مسیر تصرف قدرت سیاسی/دولتی، توده های کارگر در کوتاهترین زمان تجربه سیاسی قابل توجهی خواهند آموخت و به سرعت از مرحله ای به مرحله دیگری رشد و توسعه خواهند یافت." اما لنین در سخنرانی معروف خود (روسیه برای سوسیالیسم پیروز شد (می گوید: تروتسکی با عبارت "بورژوازی با سرکوب زندگی عمومی و روزمره توده ها، فرصت تجربه سیاسی و توسعه اجتماعی را مسدود کرده است!" می پندارد که این تجربه آموزی و توسعه اجتماعی فقط تا زمان تصرف قدرت سیاسی توسط بلشویک ها است و دیگر احتیاجی بدان نخواهد بود!

اما واقعیت خلاف این پندار را نشان می دهد. رفتار فوق از وظایف بسیار بزرگی است که بلشویک ها با شجاعت و قاطعیت انجام داده اند، که مستلزم فشرده ترین آموزش های سیاسی توده ها و در نتیجه انباشت و کسب تجربه انقلابی و دولتمداری می باشد. اساسی ترین نکته این است که: آزادی فقط برای حامیان حکومت، فقط برای اعضای یک حزب - هر چقدر هم زیاد و گسترده باشد - اصلاً آزادی نیست. آزادی همیشه و منحصرآزادی برای کسی است که متفاوت بلکه به این دلیل که هر آنچه در آزادی سیاسی، آموزنده، « عدالت » می اندیشد. نه به دلیل هیچ مفهوم متعصبانه ای از به یک امتیاز ویژه تبدیل « آزادی » سالم و پاک کننده است به این ویژگی اساسی و بنیادین بستگی دارد. و زمانی که شود، کارایی آن از اساس از بین می رود.

مطمئناً خود بلشویک ها هم نمی خواهند این مسئله مهم را انکار کنند که بر اساس یک

بخش و در سال ۱۹۱۸ منتشر گردیده است. ترجمه زیر بخش ششم این کتاب با عنوان "درباره مقوله دیکتاتوری (The problem of dictatorship)" می باشد.

لوگزامبورگ به همراه گرامشی از معدودترین تئوریسین ها و فعالین کلاسیک کمونیست می باشند که خوشبختانه حرف و حدیثی درباره آن ها نیست. Paul Levi - متن اصلی نوشته رزا لوگزامبورگ به زبان آلمانی را در سال ۱۹۲۲ از روی آرشیو اسناد تاریخی انقلاب روسیه به زبان انگلیسی برگردانده است که نسخه اینترنتی آن از سال ۱۹۹۹ توسط Marxists.org در دسترس همگان می باشد.



Rosa Luxemburg

The Russian Revolution

Written: 1918.
Source: The Russian Revolution, by Rosa Luxemburg.
Publisher: Workers Age Publishers (New York), © 1940.
First Published: 1922 by Paul Levi.
Translated: Bertram Wolfe.
Online Version: marxists.org 1999.
Transcription/Markup: A. Lehrer/Brian Baggins.

Contents:

[Fundamental Significance of the Russian Revolution](#)
[The Bolshevik Land Policy](#)
[The Nationalities Question](#)
[The Constituent Suffrage](#)
[The Question of Subfrage](#)
[The Problem of Dictatorship](#)
[The Struggle Against Corruption](#)
[Democracy and Dictatorship](#)

Rosa Luxemburg Archive | Russian Revolution History

رزا لوگزامبورگ انقلاب روسیه فصل ششم درباره ی مقوله دیکتاتوری لنین در کتاب "دولت و انقلاب"، درباره مسئله "انتقال از

رُزا لوگزامبورگ

به مناسبت یکصد و سومین سالگرد (۱۵ ژانویه ۱۹۱۹) قتل ناجواهردانه رزا لوگزامبورگ و کارل لیبکنشت

رزا لوگزامبورگ، تئوریسین و فعال کمونیست در خانواده ای یهودی در سال ۵ مارس ۱۸۷۱ در لهستان چشم به جهان گشود. در هجده سالگی از لهستان گریخته و در زوریخ به تحصیل در رشته اقتصاد سیاسی می پردازد. او با همکاری کارل لیبکنشت و با انتقاد از مواضع حزب سوسیال دموکرات آلمان درباره جنگ جهانی اول، فراکسیون "اتحادیه اسپارتاکوس ها" را تشکیل دادند و در نوامبر ۱۹۱۸ حزب کمونیست آلمان را پایه گذاری می نمایند. از رزا نامه های سیاسی و عاشقانه از درون زندان و چندین کتاب به جا مانده که شاید مهمترین آن ها، "انقلاب روسیه" باشد که در هشت



می کند، و و غیره و غیره. هیچ کس این را بهتر از لنین نمی داند، هیچکس این را نافذ تر از لنین توصیف نمی کند و هیچ کس این را سرسختانه تر از لنین تکرار نمی کند. اما در ابزار و شیوه هایی که انتخاب می شوند، مسیری کاملاً مخالف و اشتباه را بر می گزینند. فرمان ها و احکام صادره، نیروی دیکتاتوری و ناظر و صاحب قدرت در کارخانه ها، مجازات های سخت، حکومت ترور همه این چیزها تسکین دهنده نیستند. این حکومت ترور است که روحیه را تضعیف می کند.

زمانی که تمام ابزارهای تضمین کننده دموکراسی پرولتری حذف شوند، دیگر چه چیزی از حکومت شوراها و کارگران باقی می ماند؟ لنین و تروتسکی نهادهای نمایندگی که توسط انتخابات عمومی و مردمی ایجاد شده اند را، به عنوان تنها نماینده واقعی زندگی سیاسی در کل سرزمین شوراها معرفی کرده اند. بدون انتخابات عمومی، بدون آزادی نامحدود مطبوعات و اجتماعات، بدون امکان مبارزه آزاد عقیده، زندگی در هر نهاد عمومی از بین خواهد رفت و به ظاهری از زندگی تبدیل می شود که در آن فقط بوروکراسی به عنوان عنصر فعال باقی خواهد ماند. زندگی عمومی به تدریج به خواب خواهد رفت، چند ده رهبر حزب با انرژی پایان ناپذیر و تجربه ای بی حد و حصر هدایت و حکومت کننده خواهند بود. در میان آن ها، در واقع تنها یک دو جین سر برجسته رهبری می کنند و نخبگان طبقه کارگر هر از گاهی به جلسات دعوت می شوند، جایی که باید سخنان رهبران را تحسین کنند و قطعنامه های پیشنهادی را به اتفاق آرا تصویب کنند. یک دیکتاتوری، مطمئناً نه دیکتاتوری پرولتاریا، بلکه فقط دیکتاتوری تعداد انگشت شماری از سیاستمداران، که این یک دیکتاتوری به معنای بورژوازی است، به شوروی از دوره های سه ماهه به دوره های شش ماهه! (بله، حتی می توانیم جلوتر برویم: چنین شرایطی ناگزیر باید باعث بی رحمی زندگی عمومی شود: اقدام به ترور، تیراندازی به گروگان ها و غیره) سخنرانی لنین در مورد انضباط و فساد).

مترجم: م. اسفندیاری

خصلت خوب بوده که همیشه همراه با هر گونه نیاز واقعی جامعه، ابزار و وسایلی جهت تامین و تحقق آن نیاز را همراه با کار مداوم و به طور همزمان راه حل های عملی ارائه دهد. و اگر این شیوه و فرض را قبول داشته باشیم، پس واضح است که سوسیالیسم به دلیل ماهیت خود نمی تواند با حکم حکومتی (Ukase) معرفی و اجرا شود. که پیش نیاز آن برخی از اقدامات زورمندانه علیه اموال، تخریب، کارهای منفی و ... می باشند که می توانند با حکم حکومتی اجرا گردند. اما ساختن و توسعه و کارهای مثبت را نمی توان به اجبار انجام داد. این قلمرو جدیدی است با هزاران مشکل، که فقط تجربه می تواند راه کارهای جدید را بیافریند و دوباره اصلاح کند و درب های جدیدی را بگشاید.

فقط زندگی در یک جامعه آرام و شکوفا است که، به هزاران گونه و اشکال جدید و بداهه پردازی دست می زند، نیروی خلاقانه جدیدی را رو و آشکار می کند و خود او تمامی تلاش های اشتباه را اصلاح و جبران می کند. زندگی عمومی کشورهایی با آزادی های محدود، بسیار فقرزده، بسیار فلاکت بار، بسیار سفت و سخت، و بسیار بی ثمر است، دقیقاً به این دلیل که با حذف دموکراسی، منابع زنده و بالنده همه پیشرفت ها و ثروت های معنوی قطع می شوند) کافی است نگاهی به سال ۱۹۰۵ و ماه های فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷ بیاندازیم. در آن روزها آزادی و شرکت عظیم توده ها، خصلتی اساساً سیاسی داشت؛ همین امر در زندگی اقتصادی و اجتماعی نیز صدق می کند. تمام توده های مردم باید در این امور شرکت داشته باشند، در غیر این صورت، امر سوسیالیسم و ساختمان سوسیالیسم از پشت چند میز اداری و توسط یک دو جین روشنفکر به تحقق نخواهد پیوست.

کنترل عمومی توسط توده های مردم ضروری است. در غیر این صورت تبادل تجربیات تنها در حلقه ی بسته مقامات رژیم جدید باقی خواهد ماند و فساد اجتناب ناپذیر خواهد گشت (لنین، بولتن شماره ۲۹). سوسیالیسم در تمامی بخش های زندگی مستلزم یک دگرگونی عمیق تفکری و در نتیجه تغییر رفتاری توده های مردمی می باشد، که قرن ها زیر سلطه بورژوازی قرار داشته اند. غرایز اجتماعی جایگزین غرایز و منافع فردی و خودپسندانه، ابتکارات توده ای جایگزین سکون و رخوت، آرمان گرایی عقلانی که بر همه رنج ها غلبه

ضرب المثل قدیمی: باید زمین را قدم به قدم احساس کنند، امتحان کنند، آزمایش کنند، و دوباره آزمایش کنند. همچنان که امروز شاهد هستیم، در بسیاری از اقدامات آن ها بر اساس تجربه، نشانی از مرواریدهای گرانبهای حکمت نیست. بنابراین، ما حتی اگر با شرایط سهل و دشوار که در همه جا ممکن است یکسان و حاکم نباشند، کماکان به همان نقطه نظر و نتیجه یکسان که باید برای همه ما آشکار شده باشد، خواهیم رسید.

فرض ضمنی زیربنای نظریه دیکتاتوری پرولتاریای لنین - تروتسکی این است که: دگرگونی سوسیالیستی فرمولی آماده و مدون شده و حی و حاضر در جیب حزب انقلابی می باشد، که باید فقط با انرژی آن را به عمل درآورد. متأسفانه - یا شاید خوشبختانه - اینطور نیست. تحقق سوسیالیسم به عنوان یک نظام اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، مجموعه ای از نسخه های آماده ای که فقط باید اجرا بشوند، نیست. بلکه تجربه ای خواهد بود که کاملاً در ماه های آینده پنهان می باشد.

آنچه که ما امروز در برنامه خود داریم، چیزی نیست جز چند تابلوی اصلی که نشان دهنده جهت کلی برای جستجوی اقدامات لازم برای آینده ی ساختمان سوسیالیسم می باشند، و این نشانه ها عمدتاً جنبه های منفی را ابراز می دارند.

بنابراین ما کم و بیش می دانیم که برای هموار و آزاد کردن راه و مسیر یک اقتصاد سوسیالیستی باید در ابتدا چه چیزهایی را حذف و نابود کنیم. اما وقتی که صحبت از ماهیت هزاران اقدام ملموس و عملی، بزرگ و کوچک، که لازمه شروع و ادامه کاری یک جامعه و اقتصاد و روابط اجتماعی سوسیالیستی میشوند، در هیچ برنامه و کتاب درسی احزاب سوسیالیستی، کلیدی وجود ندارد. البته به نظر من این نه تنها یک نقص نیست، بلکه همان چیزی است که سوسیالیسم علمی را بر انواع آرمان شهرهای دیگر برتری می بخشد. نظام و ساختمان سوسیالیستی هر جامعه ای فقط و فقط و باید و تنها می تواند محصولی از مکتب و مدرسه و تجربیات تاریخی خود باشد که در جریان و مسیر تحقق و در نتیجه ی رشد و تحولات تاریخی و زنده خویش متولد گردیده است.

که دقیقاً و همانند هر پدیده ارگانیک، در تحلیل نهایی بخشی از کل آن پدیده را تشکیل می دهد. و در نتیجه دارای این عادت و

تنها راه نجات، سوسیالیسم و کمونیسم است



برجام: کدام... بقیه از صفحه آخر

و جهانیان می باشد) امری که بنوبه خود نشاندهنده عدم موضوعیت بحران هسته‌ای است. با این وصف باید پرسید آمریکا چه منافعی در بازگشت به برجام دارد؟

همچنین تفاوت میان موافقان و مخالفان مذاکره با آمریکا در عرصه ملی با توجه به زمینه‌های مادی رشد بی‌اعتمادی مردم نسبت به آمریکا و غرب و سلب دل‌بستگی از آنان به همراه ترغیب ناسیونالیسم ایرانی درمقابل با دسیسه‌های امپریالیستی و صهیونیستی از یک طرف و بی‌اعتبارکردن اصلاح‌طلبان مبنی بر مجریان اصلی سیاست‌های نئولیبرالیستی که منجر به وضعیت ناهنجارعمومی شده است از طرف دیگر توازن را به سود اصولگرایان و روی کارآمدن دولت رئیسی فراهم نمود. با توجه به رویکرد اصولگرایان به شرق و سیاست تبلیغاتی دوری از برجام، آیا چرخشی در سیاست اصولگرایان و دولت رئیسی برای خروج از وضعیت کنونی بوجود آمده است؟ تا جاییکه در حوصله این نوشتار باشد به بررسی دو مورد فوق می‌پردازم.

هدف از تحریم‌ها تجزیه و فروپاشی ایران است

در نوامبر ۲۰۱۸، وقتی ترامپ تحریم‌ها را دوباره فعال کرد، دسترسی ایران به صادرات نفت و سیستم مالی بین‌الملل قطع شد. در آن زمان، ترامپ اعلام کرد که ایران اگر با تقاضاهای جدید آمریکا موافقت نکند، با «انزوای اقتصادی» روبرو می‌شود. تا به امروز، آمریکا تحریم‌های بسیاری را بر علیه هزاران نفر و شرکت‌ها، به قصد کاهش درآمد نفت ایران اعمال کرده است. ترامپ مدعی بود که می‌تواند شرایط را از اینهم به‌راتب بدتر کند و یا بالعکس در صورت مجاب شدن درخواست‌های آمریکا از جانب ایران شرایط را به سرعت در جهت رونق اقتصادی تغییر دهد. این بدان معناست که اگر به فرامین «بازار آزاد» نئولیبرالی که از طرف «بانک جهانی»، «صندوق بین‌المللی پول» و «سازمان جهانی تجارت» دیکته می‌شود، ایران گردن دهد، نه تنها دیگر سخنی از رژیم چنج‌میان نخواهد آمد بلکه از حمایت و کمک‌های آمریکا برای رونق اقتصادی نیز به‌رمنده خواهد شد. در اینجا بد نیست اشاره کنم به گفته‌های از آقای ظه‌ره وند دیپلومات عالی‌رتبه ایران که در سمت بازرس کل و سفیر در کشورهای

مختلف از جمله افغانستان، ایتالیا و ... در یکی از مصاحبات خود اشاره‌ای دارد به دیدار خاتمی و حمید کرزایی در دوره ریاست جمهوری او در افغانستان. در این دیدار از خاتمی می‌خواهد که اجازه دهد او بعنوان نماینده ایران شخصاً به آمریکا برود و جهت تغییر رابطه میان آمریکا و ایران به حل و فصل اختلافات بپردازد. «خاتمی پیشنهاد مرا پذیرفت و من دو روز پس از بازگشت خاتمی به ایران به مقصد واشنگتن پرواز کردم. با جورج بوش ملاقات کردم و به او گفتم یک خواهش و یک لابی دارم در مورد ایران؛ بوش گفت پرونده ایران دست کاندلیزا رایس است و با او تماس بگیر... با رایس ملاقات کردم و او گفت مسئله ما با ایران موضوع هسته‌ای و مپ نیست، اگر ایرانی‌ها بیایند در چارچوب ما، خودمان به آنها مپ میدهم، ما که مشکل مپ با آنها نداریم؛ اگر آنها یکی بزنند ما صد تا میزنیم، ما پرچم هسته‌ای را بلند کردیم ولی..... مسئله اصلی نقش ایران در منطقه و بهم زدن نظمی است که ما بوجود آوردیم». از این رو اگر قرار باشد ایران موی دماغ شود و مانعی در پیشروی سیاست آمریکا برای خاورمیانه جدید باشد، آمریکا باید سیاستی را پیش برد که ایران را از سر راه خود بردارد. در نتیجه، ناگفته روشن است که این تحریم‌ها با فشارهای حداکثری هدفی جز سقوط اقتصاد کشور و نتیجتاً ایجاد نا امنی، بی‌ثباتی و فزونی نارضایتی‌های عمومی که بستر مناسبی را برای ایجاد اغتشاشات امنیتی به سود آمریکا فراهم می‌کند، نداشت. ملاحظه کنید بیش از ۱۷۰۰ مورد تحریم که برشمردن تمامی آنها در حوصله این نوشتار نیست چه تأثیرات خاتمان براندازی را میتوانست بدنال داشته باشد و دارد. در اینجا لازم است بطور مختصر برخی از تأکیدات را یادآور شویم: با نگاهی به صنعت نفت ایران که دائماً مورد حمله‌ی تحریم‌ها قرار می‌گیرد، می‌توان دید که چگونه این تحریم‌ها روی اقتصادی که وابسته به تولید و صادرات نفت است تأثیر گذاشته است. برای نمونه، ۷۰٪ از کالاهای صادراتی ایران فرآورده‌های نفتی است (البته این مقدار با در نظر داشت فعال نمودن بیشتر تنوع اقتصادی در عرض دو دهه اخیر برای کاهش وابستگی به تولیدات نفت می‌باشد)، در مارچ ۲۰۱۸ (قبل از اعلام شروع دوباره تحریم‌ها) صندوق بین‌المللی پول گزارش داد که ۴۰٪ درصد درآمد دولت در سال مالیاتی ۲۰۱۷-۲۰۱۶ از درآمد نفت بوده است. آنها رقم مشابهی را،

بدون پیش‌بینی تحریم‌های جدید، برای سال مالیاتی ۲۰۱۷-۲۰۱۸ پیش‌بینی کردند. در نتیجه، کاهش شدید تولیدات نفت ایران چالش‌هایی را برای تامین نیازهای مردم کشور، واردات داروهای خارجی و تجهیزات پزشکی و دیگر تجهیزات نجات‌دهنده ایجاد می‌کند. در سال ۲۰۱۰، تحریم‌های آمریکا روی سرمایه‌گذاری در شرکت نفت ایران تأثیر گذاشت و تعدادی از معاملات بین‌المللی را ممنوع کرد. سپس، اوایل سال ۲۰۱۲، آمریکا و اتحادیه اروپا واردات نفت از ایران را ممنوع کردند و دارایی‌های بانک مرکزی بدنال آن مسدود شد. پس از آن، تولیدات نفت سقوط کرد و اواخر سال ۲۰۱۲ به پایین‌ترین سطح رسید. سپس، در اوایل سال ۲۰۱۶، برجام تصویب شد و تولیدات نفت به سرعت به درجه‌ی تولید آن در سال ۲۰۰۷ بازگشت. این سطح از تولیدات تا ماه می ۲۰۱۸، که دولت ترامپ اعلام کرد که از برجام خارج خواهد شد، ادامه داشت. از ماه می ۲۰۱۸، تولیدات نفت ایران به شدت سقوط کرده است.

قبل از تحریم‌ها، ۶ درصد پیشرفت اقتصادی را پیش‌بینی می‌کردند. در حالیکه پس از تحریم‌ها ۹.۳ درصد رکود اقتصادی تخمین زده شده است. شاخص‌های دیگری هم پس از تجدید تحریم‌ها پسرقت کردند: نرخ بیکاری بالای ۲۵ درصد؛ تورم ۸۰ درصد؛ و ارزش واحد پول نصف شده است.

حال به بخشی از ابعاد اجتماعی نظریه‌فکنیم. از آنجا که ایران از سیستم مالی بین‌المللی که تحت سلطه‌ی ایالات متحده است، محروم شده است نه می‌تواند در بازار آزاد نفت خود را بفروشد و نه آنکه در بازار آزاد مواد غذایی یا دارو بخرد.

آمریکا، کنترل گسترده‌ای بر معاملات بانکی بین‌المللی اعمال می‌کند. یکی از روش‌های کنترل آمریکا از طریق سوئیفت (SWIFT) و چیپس (CHIPS) است که بخش اعظمی از این پرداخت‌ها را به عهده دارند. سیستم سوئیفت که سیستم ارتباطی مشترک میان بانک‌هاست، تحت کنترل بانک‌های آمریکا است. علاوه بر این، با این که سوئیفت در آمریکا مستقر نیست، تمام اطلاعات سیستمش را در دسترس آمریکا قرار می‌دهد، حتی اگر آن معاملات به آمریکا مربوط نباشند. سیستم چیپس کارکرد ارتباطی و توافقی ارائه می‌دهد که طبق قوانین ایالات متحده اداره می‌شود، تعداد زیادی بانک‌های آمریکایی به عنوان سهامداران اصلی در این سیستم فعالیت



نیروگاه اتمی داشته باشند و در حد مجاز به غنیسازی اورانیوم بپردازند را زیر پا میگذارد. این در حالی است که فرانسه برای ابوظبی و آمریکا برای عربستان سعودی در پی ساخت نیروگاه اتمی هستند.

هم‌اوقات سیاست‌های فوق توطئه و دسیسه چینی و ایجاد اغتشاش و ناآرامی برای تشدید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی از آنجمله خرابکاری در راه‌اندازی لوله گاز به پاکستان و هندوستان، ترور دانشمندان ایرانی و فعالیت‌های حمایتی از گروه‌های تروریستی مانند جندالله، قتل‌های مرموز و ترور دانشمندان ایرانی، پروژه تندر و بمب‌گذاری در حسینه شیراز که منجر به کشته شدن ۱۴ نفر و زخمی شدن بیش از ۲۵۰ نفر شد. و این اواخر تشدید فعالیت‌های پان‌ترکیستی وجدایی طلب در آذربایجان، همه و همه نشان از تلاش امپریالیسم و صیہونیسم در بزانو درآوردن جمهوری اسلامی و لاغیر تجزیه ایران است.

چه تمایزی میان موافقان و مخالفان حکومتی در سیاست راهبردی برجام میتوان قایل شد

واشنگتن بعد از خروج از برجام در راستای سیاستی موسوم به «فشار حداکثری» به اقداماتی تحریک‌آمیز دیگری مانند قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی، اعزام یک ناوگروه، چند بمب‌افکن بی-۵۲ و چند جنگنده اف-۲۲ به منطقه و تحریم وزیر خارجه ایران روی آورد. جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اقدام یک سال «صبر راهبردی» را در دستور کار قرار داد و به طرف‌های توافق هسته‌ای به ویژه کشورهای اروپایی که وعده جبران خروج آمریکا را می‌دادند مهلت داد به تعهدات خود در پرتو توافق هسته‌ای عمل کنند. با گذشت یک سال و محقق نشدن وعده‌های اروپا، شورای عالی امنیت ملی ایران در بیانیه‌ای روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ به طرف‌های توافق هشدار داد در صورتی که ظرف ۶۰ روز به تعهدات خود در زمینه‌های نفتی و بانکی عمل نکنند ایران طبق مفاد برجام، از تعهدات خود در این توافق خواهد کاست. جمهوری اسلامی ایران تا کنون به ترتیب در چهار گام از تعهدات خود کاسته است. اولین گام ایران در کاهش تعهدات، عبور از سقف ۳۰۰ کیلوگرمی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۳.۶۷ درصد، عدم فروش آب سنگین و مازاد اورانیوم غنی‌شده بود. گام دوم روز شانزدهم تیر و با بیانیه دولت مبنی بر افزایش سطح غنی‌سازی از ۳.۶۷ درصد اجرا شد. گام سوم ایران برای

از طریق معافیت‌ها بی نتیجه است. به نظر می‌رسد که این معافیت‌ها به جای این که به واردات دارو و غذا کمک کنند، بیشتر برای دفع انتقاد از تحریم‌ها در انظار عمومی است. توجه داشته باشید که حتی تقاضای ۵ میلیارد دلار وام از صندوق بین‌المللی پول جهت مبارزه با ویروس کرونا در ماه آوریل ۲۰۲۰ توسط دولت ترامپ به بهانه آنکه مقامات ایرانی با این پوشش جیب‌های خود را پُر خواهند کرد، مسدود شد.

ناگفته نماند که دور زدن این سیستم مالی به طور غیر متوجه‌ای دشوار است، ولی غیرممکن نیست. برای مثال، کشورها می‌توانند سیستمی دو یا چند جانبه برای معامله با واحد پولی خودشان یا تسویه حساب با واحدی به غیر از دلار راه‌اندازی کنند. در عین حال یک مکانیزم جدید و چند جانبه که نام مختصرش اینستکس (INSTEX) است وجود دارد که امیدوارکننده است. اینستکس می‌تواند به اتحادیه اروپا و ایران، بدون تکیه بر انتقال مستقیم یا استفاده از سیستم مالی تحت سلطه‌ی آمریکا، اجازه تجارت بدهد. با اینکه در مراحل اولیه این سیستم فقط به تجارت بشردوستانه مربوط می‌شود، اینستکس می‌تواند مسیرجدیدی را برای خرید نفت ایران بوجود آورد. به هر حال، اینکه کشورهای اتحادیه اروپا به جای استفاده از کانال‌های مستقر و پذیرفتن ریسک خشم آمریکا، یک سیستم مالی کاملاً متفاوتی برای تجارت بشردوستانه راه‌اندازی کرده‌اند، قابل توجه است. در هر صورت، این مکانیزم‌های جایگزین از نفوذ آمریکا مصون نیستند.

آقای مورگان اورتاگوس سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در دوره ترامپ به منظور اعمال «فشار حداکثر» بر حکومت جمهوری اسلامی ایران، از جانب دولت آمریکا اعلام کرد که آنها محدودیت‌های تازه‌ای را علیه برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران وضع خواهند کرد. از ۴ ماه مه ۲۰۲۱ دولت آمریکا هر گونه کمک برای داد و «افزون بر این، هر گونه فعالیتی برای انتقال اورانیوم غنی‌شده ایران به خارج از ازای دریافت اورانیوم طبیعی هدف مجازات‌های آمریکا قرار می‌گیرد». آمریکا در عین حال از جمهوری اسلامی ایران خواسته است که غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. به دیگر سخن آمریکا قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و اینکه ایران و سایر ممالک جهان حق دارند

می‌کنند و تحت نظارت مستقیم مسئولین آمریکایی هستند. این سیستم برای کامل کردن معاملات به شبکه ارتباطی‌ای متکی است که بانک‌هایی که با هم ارتباط مستقیمی ندارند را به هم وصل می‌کند. در راس این سیستم ارتباطی، بانک ذخیره‌ی فدرال نیویورک، تحت کنترل مسئولین آمریکایی، که در نقش گزینه‌ی آخر برای سایر بانک‌های مرکزی است، قرار دارد.

سیستمی که اینگونه طراحی شده است معامله با یک واحد پولی مشترک (دلار)، از طریق یک بانک مشترک (بانک فدرال نیویورک) در یک چارچوب توافق شده (سوئیفت و چیبیس) را برای بانک‌هایی که با هم ارتباطی ندارند تضمین می‌کند. درحالت رسمی، دولت آمریکا، از طریق دفتر کنترل دارایی‌های خارجی، می‌تواند معاملات مربوط به ایران که از طریق سیستم و بانک‌های تحت نظارتش انجام می‌شود را ممنوع کند. در حالت غیررسمی، دولت آمریکا می‌تواند سوئیفت بانک‌های مرکزی دیگر، بانک‌های وابسته به آنها و حتی بعضی شرکت‌های خاص را تحت فشار قرار دهد تا آنها سیاست رد همکاری با ایران را اتخاذ کنند. آنها به دلیل ترس از مجازات آمریکا (برای مثال، تحریم شدن)، ریسک معامله با ایران را نمی‌پذیرند، مگر اینکه هیچ تجارتی با آمریکا نداشته باشند و یا اموالشان تحت کنترل آمریکا نباشد.

به دلیل اینکه سیستم بین‌المللی بانکی اینگونه طراحی شده است، تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران به این معنی است که ایران نه تنها نمی‌تواند به راحتی در بازار آزاد نفت بفروشد، بلکه مواد غذایی و دارو را نیز به راحتی نمی‌تواند بخرد. این به دلیل این است که، بانک‌ها و مقامات ایرانی تحریم شده به دلیل جایگاهشان در سیستم بانکی ایران، در این معاملات هم، مانند معاملات نفتی، نقش دارند. قابل توجه است که در اکتبر ۲۰۱۸، دادگاه عدالت بین‌الملل به آمریکا دستور «برداشتن تمام موانعی» که بر تجهیزات دارو، مواد غذایی و حمل و نقل هوایی غیر نظامی (شامل هر مانعی در مقابل پرداخت و یا انتقال پول برای اینگونه مواد یا تجهیزات) تأثیر دارد را داد. در جواب این دستور، آمریکا، به جای پیروی کردن، از پیمانی که اساس این حکم را تشکیل می‌داد، صرف نظر کرد. باعث تعجب نیست که بیشتر مواقع، تلاش برای واردات مواد غذایی و دارو



این اقدامات عملی را بخرچ داد تا نشان دهد که تسلیم یک مذاکرات فرسایشی و زیادخواهی آمریکا نخواهد شد مگر اینکه آمریکا بدون شرط و پیش شرط به اجرای کامل برجام برگردد. در پایان دوران روحانی، مصوبه مجلس در محدودیت دسترسی آژانس به تاسیسات هسته ای و افزایش توان هسته ای ایران همراه با انتخابات ریاست جمهوری ایران و انتخاب رئیسی پیام بسیار جدی به آمریکا و غرب داد.

بررسی دور جدید مذاکرات رفع تحریم ها که به دنبال انتخابات ریاست جمهوری در ایران از هشتم آذرماه با شرکت گروه ۴+۱ در وین آغاز شده است بنا به گزارش نماینده ایران «کل تفاهم را به پذیرش بندی در خصوص انجام گفت‌وگوهای آتی در مورد مسائل منطقه‌ای گره زدند که کاملاً با موضوع مذاکرات غیرمربوط و مضر است». و اضافه می کند، «هیات آمریکایی در مذاکرات احیای برجام درباره‌ی «فعالیت‌ها و تعهدات هسته‌ای ایران زیاده‌خواهی‌هایی را مطرح کردند که حتی فراتر از متن برجام است». با این وصف در پایان مذاکرات دو مرحله ای دور هفتم علی باقری مذاکره کننده ارشد ایران اعلام کرد که نتیجه دستیابی به دو سند جدید می باشد که از این پس به جای سند پیش نویس ۲۰ ژوئن منای ادامه مذاکرات قرار خواهد گرفت. در دور هشتم مذاکرات در حال حاضر تیم مذاکره کننده ایران با قریب به ۳۰ کارشناس حقوقی و اقتصادی در وین است تا به توافقی مطلوب دست یابد.

امیرعبداللهیان روز دوشنبه ۱۴ فوریه در نشست خبری مشترک با وزیر خارجه ایرلند گفت: «آمریکا در پیام‌هایی که به صورت متواتر از طریق کشورها و واسطه‌ها به ایران منتقل می‌کنند، از داشتن حسن نیت برای رسیدن به توافق سخن می‌گویند، ولی تا این لحظه بر روی زمین اتفاق ملموسی که ترجمان عملی حسن نیت مورد ادعای آمریکایی‌ها را به تصویر بکشد، مشاهده نمی‌شو». روز بعد وزارت امور خارجه آمریکا به کنگره اعلام میکند که بخشی از تحریم های تجاری ایران را لغو خواهد کرد. این معافیت اجازه میدهد که پول ایران (۷ میلیارد دلار مسدود شده در معاملات با ژاپن و کره) برای باز پرداخت‌های کالاهای غیر تحریم شده که به ایران صادر میشود مورد استفاده قرار گیرد. از جمله معافیت های جدید به کشورها و شرکت های خارجی اجازه می دهد تا در پروژه‌های غیر

نکوهش کردند، گفتمان مسلط در اندیشکده ها و عرصه اجتماعی، افشای سیاست نئولیبرالیستی مبنی بر اینکه اصلاح طلبان مَثابه مسئولین اجرایی آن در چهار دهه گذشته موجب وضعیت ناهنجار کنونی شده‌اند. و در همین راستا ضمن تشدید تبلیغات ناسیونالیسم ایرانی، به دفاع از «حاکمیت ملی» و «منافع ملی»، طرح «سیاست متعارض» برای پاسداری از هویت ملی و... را تشویق کردند. بهر رو پس از انتخاب بایدن به ریاست جمهوری، در اندک زمانی، با اظهاراتی که سران سیاست خارجی بایدن در جلسات استماع کنگره انجام دادند مشخص شد که آنها سیاستی متفاوت با اوباما را در سردارند و میخواهند از تحریمهای ترامپی بعنوان ابزار فشار علیه ایران استفاده کنند به خیال اینکه به توافقاتی فراتر از برجام دست خواهند یافت. تاخیر ماههای اول دوران بایدن برای آغاز مذاکرات برجامی نیز ناشی از این توهم و اختلافات درونی تیم بایدن در مورد نحوه احیای برجام بود.

سید حسین موسویان استاد دانشگاه پرینستون و یونس محمودیه فارق التحصیل فوق لیسانس از دانشگاه بارسلون اسپانیا مشترکاً در مجله آکادمی علوم روسیه نوشتند «نه تنها من بلکه بسیاری از کارشناسان برجامی سیاست خارجی آمریکا مثل پل پیلار، علی واعظ، دریل کیمبل و تریتا پارسی دلائل و شواهد این سیاست توهم آمیز تیم بایدن در ابتدای کار را مستند کرده و به موقع هشدار هم دادند که مسیر زیاده خواهی تیم بایدن نتیجه معکوس خواهد داشت». وندی شرمین معاون وزیر امور خارجه آمریکا در جلسه کنگره گفت شرایط ژئوپولیتیک منطقه با سال ۲۰۱۵ که برجام را توافق کردیم، کاملاً فرق کرده است لذا مسیر پیش روی ما در مورد بازگشت به برجام هم باید تغییر کند. تونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا چندین بار بر توافقی «قوی تر و طولانی مدت تر» از برجام تاکید کرده و بصراحت به کنگره آمریکا گفت که ما برای بازگشت برجام، «یک راه طولانی» در پیش داریم. ایران قبلاً اعلام کرده بود «بازگشت تدریجی را نخواهیم پذیرفت، آمریکا باید اول همه تحریمها را بردارد و ایران نیز بعد از راستی آزمایی صحت رفع تحریمها، به تعهداتش باز خواهد گشت». حرکت ایران بسمت غنی سازی ۶۰٪، پیامی به آمریکا و اسرائیل بود که در صورت ادامه روند فعلی زیاده خواهی، به غنی سازی ۹۰٪ مبادرت خواهد کرد که ایران را در آستانه ساخت بمب اتم قرار میدهد. ایران

کاهش و توقف برخی تعهدات خود در برجام که از ۱۵ شهریورماه شروع شد بیشتر مربوط به برداشتن محدودیت‌ها روی فعالیت‌های تحقیق و از جمله توسعه و راه اندازی نسل جدید سانتریفیوژها در تاسیسات غنی سازی اورانیوم بود. اقدامات ایران در کاهش تعهدات برجامی مرتبط با سازوکار بندهای ۳۶ و ۳۷ توافق هسته‌ای وین صورت می‌گیرند.

در گام چهارم خامنه ای در دهم مهر ماه خواستار ادامه روند کاهش تعهدات شد، عکس‌العمل اتحادیه اروپا ضمن هراساندن ایران از احتمال تشدید تنشهای پرهزینه، دعوت به پایبندی ایران در اجرای تعهدات برجام بود. در این میان جناح اصلاح طلب که در پیشی گرفتن از اصول گرایان در تسلیم نامه برجام خود را فاتح برجام می پنداشت، کماکان دلخوش به عطوفت و کرامت اروپائیهایی که شاید از امامزاده آنها معجزه‌های برخیزد، به چانه زنی خود در وین ادامه دادند. در حالیکه اروپائیهایی برای اینکه از زیر اجرای تعهدات خویش شانه خالی کنند مدعی بودند که شرکتهای اروپایی از ترس تحریمها و تضيیقات آمریکا حاضر نیستند در ایران سرمایه‌گذاری کرده و یا با ایران به تبادلات تجاری بپردازند. نهایتاً روحانی در همین گیر و دار در نشست مطبوعاتی با اشاره به این که در صورت پایبندی اروپا به برجام، تهران نیز تعهدات توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ را اجرا می‌کند. هنگامیکه اسرائیل تهدید به حمله نظامی کرد، دولت روحانی غنی سازی سطح ۵٪ را به ۲۰٪ افزایش داد و اعلام کرد که افزایش غنی سازی تا سطح ۶۰٪ ادامه خواهد یافت ضمن اینکه سانتریفیوژهای پیشرفته نسل ششم را وارد مدار غنی سازی خواهد کرد.

در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهور آمریکا، بایدن خروج ترامپ از برجام را سرزنش و اعلام کرد که قصد بازگشت به برجام را دارد. اصلاح طلبان تصور میکردند که با روی کار آمدن بایدن، آمریکا سریع به برجام باز خواهد گشت و تحریم های ایران بسرعت محو خواهند شد و یک بن بست شکنی دیپلماتیک در روابط آمریکا و ایران بوجود خواهد آمد. در حالیکه اصولگرایان با توجه به دلسردی مردم از آمریکا و غرب، رویکرد دوری از برجام و گسترش همکاری های همه جانبه با روسیه و چین را تبلیغ کرده و اصلاح طلبان را متهم به اجرای سیاست ادغام در نظم جهانی لیبرالیستی غرب به رهبری آمریکا نمودند. و سیاست راهبردی برجام را «در موضع متهم به پای مذاکره رفتن»



ساخته بود. کشاورز اهل "پولیه"، صنعت کار قدیمی اهل "پیه مونه" و دهقان خرده پای "ونیزی" با کارگر ساده اهل "لمباردی" را در کنار هم قرار داده بود.

اوبروشنی اشاره می کند که اکنون دیگر آن کشاورز، آن صنعتکار قدیمی، آن دهقان خرده پا و آن کارگر ساده که با صد ها کیلو متر فاصله از یکدیگر زندگی کرده بودند، اکنون در کارخانه که ملاتی است برای ساخته شدن طبقه کارگر جمع شده اند. دقیقاً کارخانه است که آنها را متشکل کرده - هریک عیناً بقیه، مورد سود جویی و استثمار کارفرما هستند. در جریان مبارزه باهم به آگاهی می رسند و لذا در پیوندی ناگسستنی در کنار یکدیگر قرار می گیرند. اینجا دیگر مسئله فرد مطرح نیست، بلکه مسئله جمع مطرح است و اینست آن فرهنگ سوسیالیستی که آنها در طول سال ها کار در کارخانه به آن دست می یابند. آنها خیلی ساده در پراتیک به آن می رسند، ضمن آنکه در جریان پراتیک آنان نیاز به مطالعه تئوریک را درک می کنند. به همین دلیل است که طبقه کارگر نقشی اساسی در انقلاب سوسیالیستی دارا است. طبقه کارگر فرهنگ سوسیالیستی را که توجه به جمع است نه به فرد، از درون کارخانه آموخته است و دشمن واقعی اش را که سرمایه داری را در جریان استثمار با همه وجودش در کارخانه لمس کرده است.

ما بروشنی مشاهده می کنیم امروز در کشور ما ایران، مبارزه طبقه کارگر شباهت زیادی با مبارزات طبقه کارگر ایتالیا داشته است. در هفت تپه از کشاورزان لر، عرب و..... در کارخانه نیشکر هفت تپه در کنار یکدیگر کار می کنند. پس از آن است همه آنها در درون کارخانه با استثمار و سود جویی کارفرما مشترکاً و در جریان عمل روبرو می شوند و لذا کارخانه ملاتی می شود در خدمت این کارگران. در همه دنیا ماجرا از یک قرار است. صاحبان ابزار تولید از یکطرف و نیروهای مولده از طرف دیگر در برابر هم قرار دارند و منافع شان در تضادی آشتی ناپذیر با یکدیگر است. بنا براین کارگران در این کره خاکی باهم برادرند و خونشان رنگ پرچم پرولتاریا است. تفاوت در رنگ پوست و فاصله زمانی آنها مهم نیست، اما قلب هاشان بیکدیگر نزدیک است.

آن زمان کارگران در شهر "تورینو" فدراسیون کارگران فلزکار (فیوم) را بوجود می آوردند.

سوسیالیستی است یعنی پیوند کمونیسم علمی با جنبش طبقاتی است.

۱۸ فوریه ۲۰۲۰

کارخانه ملاتی.... بقیه از صفحه آخر

ترزا در سال ۱۹۰۰ در شهر تورینو ایتالیا در خانواده کارگری چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۸۰ در شهر بولونیا چشم از جهان فرو بست، اما حضور معنویش در قلب زنان و مردانی که با زندگی پر بار و آموزنده او آشنایی دارند همچنان باقی است.

ترزا نوچه در ده سالگی مدرسه ابتدایی را با نمراتی بالا به پایان رساند، اما مجبور به ترک تحصیل شد.

او در خاطراتش می نویسد: "شرایط من در مدرسه متوسطه با دختران دیگر تفاوت داشت. من با جوراب های پاره و با کفش های تخته چوبی باید زخم زبان های همکلاسی هایم را تحمل می کردم.... مشکل دیگر من مخارج مدرسه بود..... سر بار خانواده می شدم جبران آنهم غیر ممکن بود. با اندوه و اشک فراوان به خاطر آن خواب های تلایی بلاخره به کار کردن گردن نهادم.

اودر یازده سالگی در کارگاه خیاطی مشغول بکار شد و در اعتصاب شاگرد خیاط ها بطور فعال شرکت کرد. او با برادرش که اوهم کارگرو سه سال از او بزرگتر بود در باره این اعتصاب صحبت می کرد.

او در خاطراتش چنین اشاره می کند: "بر اثر اعتصاب، خیاطان کارشان به ده ساعت کار در روز تقلیل پیدا کرد، ضمن آنکه قول دادند فصل مرده حد و حدودی داشته باشد. در وضع شاگرد خیاطان هیچ تغییری حاصل نشد. به نظر من و برادرم، نتیجه ای که از این اعتصاب بدست آمد مهم نبود. مهم این بود که برای اولین بار شاگرد خیاط ها در این اعتصاب شرکت کرده اند."

او می نویسد: "اکنون نوبت برادرم رسید که اعتصاب کند. او ۱۶ سال داشت و در یک کارخانه کار می کرد. در تورینو کارخانه های فلز کاری در حال گسترش بودند.... در تورینو متخصص ترین کارگران پرورش یافته بودند.... تمرکز بزرگ توده های کارگر، جوشش و یگانگی افراد پراکنده را در یک کارخانه ممکن

نظامی نیروگاه هسته ای بوشهر، آب سنگین اراک و راکتور تحقیقاتی تهران کار کنند. این معافیت ها مربوط به تحریم های فشار حد اکثری دوره ترامپ پس از خروج از برجام است و به نظریا هدف اعمال فشار به ایران در مذاکرات و همچنین در نزد افکار عمومی ایران و جهان است.

جمع بندی

با شرحی که رفت باید دید اصولگرایان که بخصوص پس از خروج ترامپ از برجام با طرح سیاست «متعارض» به میدان آمدند چه سنخیتی با برجام دارند؟ چرا مذاکره مستقیم با آمریکا در دوران دولت یازدهم و دوازدهم «خیانت به منافع ملی» محسوب میشد و حال با گفتمان «سیاست متوازن» و «چند جانبه گرایی» ترغیب می شود؟ و خامنه ای رسماً اعلام میدارد که مذاکره با آمریکا مجاز است. آیا آمریکا سه شرط ایران مبنی بر لغو کلیه تحریم ها، تضمین عدم خروج و راستی آزمایی را خواهد پذیرفت؟ و آیا ایران حاضر است از منافع استراتژیک خود در منطقه از جمله در عراق، لبنان، سوریه و یمن بگذرد؟ به نظر من پاسخ سئوالات بالا را در پرتو وضعیت جدید تضعیف شده آمریکا بویژه در ناکامی آن برای تسلط بلانزاع نظامی بر جهان و شتاب بیش از پیش روند افولی آمریکای هژمونیک و همچنین عروج قدرت های نوظهور و تقابل به جهان چند قطبی و گرایش کشورهای پیرامونی برای گسست از مدار سرمایه امپریالیستی به رهبری آمریکا باید جستجو کرد. آنچه که مسلم است جمهوری اسلامی ایران مَثابه دولت سرمایه داری نه از موضع منافع توده های مردم بلکه از موضع منافع سرمایه داری ایران در رقابت و تقابل با سرمایه جهانی به رهبری آمریکای هژمونیک در جهت تامین منافع و سهم خود در منطقه می باشد. در جمهوری اسلامی ایران اگر اصلاح طلبان برای ادغام در نظم نئولیبرالی می کوشند؛ اصول گرایان با سیاست «متعارض» و «متوازن» ادغام را «ولایی» دانسته و تقابل با «استکبار جهانی» با جنبه دین مدارانه چیزی جز رویکرد به «حق» برای آنان نیست. بنابراین برانگیختن توده ها با شعار دفاع از «حاکمیت ملی» و «منافع ملی» و فداکاری و از جان گذشتگی از نظر اصولگرایان در نهایت باید به این امر خدمت کند.

وظیفه ما بعنوان کمونیست ها در این راستا، کمک به تشکیل یابی در تمامی عرصه های مبارزاتی و ارتقا آگاهی طبقاتی برای پیشروی

دست امپریالیست ها از سر مردم جهان کوتاه



منازه ملاتی است برای طبقه کارگر". سال ۱۹۱۷ جنگ به پایان می رسد. سربازان از جنگ برمی گردند زنانی که در طول جنگ در کارخانه ها جایگزین کارگران مرد شده بودند، حکم اخراجشان از طرف کافرمانان ابلاغ می شود.

ترزا نوچه در خاطراتش اینگونه بیان می کند: حالا حد اقل سودی که از بهره کشی ما عایدشان شده بود می توانستند حد اقل سه ماه بی آنکه به کار تولیدی پردازیم، در کارخانه باقی بمانیم و کارهایی مثل نظافت و انبار داری را انجام دهیم. تا در این فاصله در پی یافتن کار جدیدی باشیم..... برای اولین بار جلسه ای در میان ماشین های کارخانه برگزار کردیم و کارگران با پیشنهاد من موافق بودند. فوراً کمیسیونی ترتیب دادیم و در خواست هایمان را به دفتر کارخانه بردیم". کارفرما زیر بار نمی رفت. اما جوانها پیگیر قضیه شدند و کوتاه نیامدند و بلاخره نتیجه این شد که ۹۰ روز حقوق پایه را به آنها پرداختند.

ترزا: "در ایتالیا اولین بار بود که "جبران خسارت اخراج از کارخانه" مطرح می شد. یعنی تا آن زمان هیچ گاه چنین خسارتی به کارگران پرداخت نشده بود. اما دیدیم که زنان کارگر با مقاومت و ایستادگی خود در برابر وسوسه ها و تهدیدات مراجع مسئول آن را بدست آوردند".

او در کارگاه جدیدی که تنها سه نفر بودند کار گرفت و لذا چنین می گوید: "..... در کارگاهی که کار می کردم امکان یک مبارزه مستقیم نبود تنها به بحث با همکارانم اکتفا می کردم و همواره افسوس می خوردم که چرا در کارخانه نیستم و نمی توانم به طور مستقیم در مبارزه شرکت کنم".

او در بیرون از محیط کار به وظیفه مبارزاتی اش ادامه داد و در "اتحادیه خانواده سربازان جنگ زده و خانواده شهدا" و بعد در "کانون سوسیالیست های محل" نام نویسی کرد.

در شماره های آینده رنجبر، به مبارزات سیاسی ترزا به مبارزات و فعالیت های مخفی او در دوران فاشیسم پرداخته خواهد شد.

لیلا

اعلامیه امضای "کارگرن تورینو" را داشت. در اعلامیه آمده بود: "این جنگ که اروپا را به آتش می کشد، چیزی جز ننگ نیست و هیچیک از کشورهای که در جنگ شرکت می کنند بخاطر مردم کشور خود نمی جنگند". برادرم می گفت این اعلامیه را سوسیالیست های پیر ننوخته اند. این کار، کار جوانان است". اتریش صربستان را آزاد نمی کند و روسیه تزاری به مردمش آزادی نمی بخشد. باید از افتادن ایتالیا به این دام جلوگیری کرد. مردم ایتالیا از مشارکت در این جنگ نفعی عایدشان نخواهد شد. اینکه گفته می شود، این جنگ، جنگی انقلابی و آزادیبخش است حقیقت ندارد. سوسیالیست هایی که چنین نظر دارند، به خاطر بورژوازی به پرولتاریای کشورشان و به بین الملل دوم خیانت می کنند. اما سوسیالیست های واقعی هرگز دستشان به خیانت آلوده نمی شود"

اکنون از پاراگراف بالا می فهمیم، کارگران چه درک بالایی از مسائل سیاسی دارند. آنها کاملاً متوجه شده بودند که جنگ برفع مردم کشورهای شرکت کننده در جنگ نبود. جنگ جهانی اول آلمان اتریش از یکطرف و فرانسه و انگلستان از طرف دیگر برابر هم صف آرایی کرده بودند. روسیه تزاری نیز به شرکت در این جنگ تن داده بود.

اکنون جنگ آغاز شده بود. در روزهای سرد و یخبندان تورینو، ترزا با شرایط دشواری روبرو بود. برادرش در جنگ کشته می شود و مادرش در اثر بیماری چشم از جهان فرو می بندد او می گوید: "اکنون در دو اتاق کوچک زیر شیروانی، بر روی بام های شهر عزیزم "تورینو" یکه و تنها بودم. تنها، گرسنه و عاصی. تصمیم گرفتم وارد کارخانه شوم".

آن زمان او در کارخانه "فیات بره وتی" کار می گیرد، چنین ادامه می دهد: "رفته رفته بکارم علاقمند شدم. کارم ساختن بالشتک های برنزی برای موتور کامیون بود. این کار خیلی بهتر از ساختن فشنگ بود. قطعات تمیز و براقی که از ماشین تراش خارج می شد می توانست در خدمت صلح هم قرار گیرد. از این گذشته، اینکه چیزی را با دست های خودم بوجود می آوردم احساس رضایت می کردم. در کنار خودم دخترانی را می دیدم که کار آنها با کار من یکی بود. آنها هم مسائل مرا داشتند، مانند من خسته می شدند و ماتند من فکر می کردند. رو بهم رفته فهمیدم کارخانه بیش از هر چیز دیگر یعنی همین و این خود به

صاحبان کارخانه ها همزمان اتحادیه صاحبان کارخانه ها (لاما) را ایجاد می کنند. زمانی که کارگران فلزکار اعتصاب کرده بودند، صاحبان کارخانه ها کارگران جدیدی را بکار گماردند. اما برغم همه سختی ها، بویژه برای کارگرانی که سرپرستی خانواده خود را بر عهده داشتند به علت پیگیری شان در مبارزه بحق بلاخره توانستند موفقیت هایی در زمینه بالا بردن دستمزد و پایین آوردن ساعات کار بدست آورند.

سال ۱۹۱۴ زمزمه هایی در مورد جنگ جهانی در فضای اروپا پیچیده بود. ترزا نوچه خیلی زنده و ملموس در کتاب خاطراتش این فضا را به نمایش می گذارد - اینکه چگونه سوسیالیست های ایتالیایی گیج بودند و سوسیالیست های آلمانی موافق جنگ بودند. موسولینی که مدیر روزنامه روزنامه "آوانتی" و سوسیالیست بود، خائنانه حرکتش را بسوی جنگ آغاز کرد. با شروع جنگ مردم با کمبود مواد غذایی و گرانی اجناس رو برو بودند. با ادامه جنگ مردم در وضعیت معیشتی بدی قرار داشتند. اعتصابات و تظاهرات در شهر جریان پیدا کرده بود. در این شرایط بیشتر فشار بر روی زنان بود، آنها داد و قال راه انداخته بودند، شوهرانشان به جبهه رفته بودند و آنها باید شکم فرزندان خود را سیر می کردند. شهر توسط مردم سنگر بندی شده بود و یورش پلیس سواره در برابر مبارزات مردم ادامه داشت، تانگ های ارتش و سربازان وارد شهر شده بودند.

ترزا می نویسد: "به محض ورود سربازان به شهر، مردم آنان را چون برادران خود در آغوش می گرفتند. زنان در بین سربازان می رفتند و به آنها غذا و شراب می دادند. زنان به آنها می گفتند، مبارزه ما به خاطر شما ست، به خاطر شما سربازان است که به جنگ نروید و کشته نشوید. تورینو بیدار شده بود طولی نکشید که این برخورد نتیجه خوبی ببار آورد. یک گروه از سربازان "آلپینی" که برای سرکوب مردم دستور شلیک گرفته بودند، پس از آنکه برای مدت طولانی رو در روی زنان قرار گرفتند، بلاخره سر تفنگ های خود را روی زمین گذاشتند و به جمعیت پشت کردند.

ترزا در این بخش از نوشته، نقش زنان را که همیشه در هر مبارزه ای پیشگام اند بخوبی نشان می دهد.

ترزا می نویسد: "نیمه های ماه مه ۱۹۱۵ بود، برادرم پنهانی اعلامیه ای بدستم داد که با ابتدائی ترین امکانات چاپ شده بود. این



جهانی نوین باید... بقیه از صفحه آخر

کرده اند دست به زندان، شکنجه و اعدام پیشروان کارگری و انقلابی زده تا همچنان به دیکتاتوری صاحبان سرمایه ادامه دهند. در این کارزار طولانی، منطق کارگران اتحاد، مبارزه، ناکامی، بازهم مبارزه تا پیروزی بوده است. احزاب و سازمان های کمونیستی نیز پس از هر مبارزه و ناکامی خون های رفقای جانباخته را پاک کرده، غم را به نیرو تبدیل نموده و با جمعبندی از علل شکست با درایت تر به مبارزه ادامه داده اند.

درس سترگ این سال ها چنین است: توده ها سازندگان تاریخند، کارگران انقلاب می کنند و احزاب و سازمان های کمونیستی جزوی از طبقه کارگرند و دسته ای جدا نیستند و بدون تئوری انقلابی و حزب کمونیست هیچ انقلاب کارگری پیروز نمی شود.

جمعبندی های احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی گواهی بر این واقعیت دارد که آنها نتوانستند استخوانبندی تشکیلات خود را در درون جنبش کارگری استوار سازند و هنوز هم این کمبود موجود است. جنبش های توده ای نود و شش و نود و هشت بار دیگر توده ها به میدان آمدند، از خود گذشتگی و جرأت به مبارزه را تا حد جنگیدن با دست خالی در خیابان ها در برابر تانک و توپ دشمن به نمایش گذاشتند ولی جای احزاب و سازمان های کمونیستی خالی بود و در نتیجه نقشی در هدایت آنها نداشتند. اگر کمونیستها و نیروهای طرفدار طبقه کارگر ایران در گذشته با تمام از خود گذشتگی ها نتوانستند به وظایف خود جامه عمل بپوشانند و تاوان آنها هم متاسفانه دادند امروز دیگر نباید به خود اجازه دهند اشتباهات گذشته تکرار شود. اکنون ما بار دیگر با شرایطی روبرو هستیم که هر روز اعتراض و اعتصاب کارگری موجود است. کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان در حرکتند و سازماندهی به موضوع روز جنبش ها تبدیل شده است. با توجه به دشمنی دیرینه طبقه بورژوازی ایران با کمونیسم و طبقه کارگر، پیوند فشرده میان آنها از ضروریات است. جنبش های توده ای برای اینکه موفق شوند احتیاج به کادر هایی دارند که در موضع راستین تاریخی طبقه کارگر قرار گیرند، یعنی بدان درجه از آگاهی برسند که نماینده آگاه طبقه کارگر باشند، به علم کمونیسم یعنی تئوری رهایی طبقه کارگر مسلح شوند و بتوانند طبق شرایط مشخص ایران و امروز آنها پیاده

کنند. این کار برای اینکه بتواند به درستی پیش رود کمونیست ها باید بدانند که گردانی جدا از طبقه کارگر نیستند بلکه جزوی از او و در خدمت آن هستند و برای پیروزی طبقه کارگر تلاش می کنند. تنها در این صورت است که کارگران در عمل پی می برند که ایجاد یک تشکیلات کادری پیشرفته مسلح به تئوری، حرفه ای که اعضایش تما من و کاملن خود را وقف انقلاب کرده اند پیروزی را تضمین می کند. بدون چنین تشکیلاتی پیروزی غیر ممکن است و اگر هم توده ها پیروز شوند چنانچه سال ۵۷ شدند، انقلاب به کجراه می تواند رود و بورژوازی همچنان از در دیگر وارد شود.

در اشل جهانی هم کلیه باور های کهن دموکراسی خواهی سرمایه جهانی به زیر سوال رفته و در مقابله با کوید نوزده ناتوانی نظام های کهنه را جلو چشم میلیون ها انسان به نمایش گذاشته و دامنه بحران ساختاری سرمایه داری را گسترش داده و عمق بخشیده است. افول ابر قدرت امپریالیستی جهان که زمانی ایدئولوگ های بورژوا صعود آنها پایان تاریخ خواندند و سوسیالیستهای رنگ عوض کرده و بریده آنها امپراتور بلا منازعه تا ابدیت پنداشتند آغاز شده است. این یک تغییر بزرگی است که باید کاملن در بررسی اوضاع به حساب آورد. در همین دو قرن گذشته دست بدست شدن قدرت از امپراتوری بریتانیا به امپراتوری آمریکا صورت گرفت. اما اکنون دیگر اکثریت عظیم مردم جهان به میدان آمده و سدی بزرگ در برابر تکرار تاریخ به شیوه گذشته اند. با سرکردگی یک قدرت جهانی مخالفند، با نظام و توی چند قدرتی هم که پس از جنگ جهانی دوم بنیاد گذاران سازمان ملل با شور و شوق به استقبالش رفتند تا شاید از جنگ جلوگیری کنند، نیز مخالفند چون عملن با شکست کامل روبرو شده و قدرت های امپریالیستی با دخالت گری های خود سرانه و یکجانبه آنها دور زدند. امروز دیگر نه چرچیلی هست و نه استالینی - قهرمانان پیروزی بر نازیسم در جنگ جهانی دوم که جنگ سرد ایدئولوژیکی را میان مکتب کمونیسم و باصطلاح دموکراسی بار دیگر کلید زدند. دوران جنگ های تمدن ها و ایدئولوژی ها به پایان رسیده است. جنازه حکومت های سرمایه داری را کارگران و توده ها به خیابان ها کشیده اند؛ وظیفه برداشتن و خاک کردن آنهاست.

سیمای جهان و صف آرایی عمومی انقلاب وضد انقلاب بسود پرولتاریا و رهایی بشریت

از یوغ نظام های طبقاتی تغییر کرده است. با اینکه همچنان تضاد اساسی جهان را سرمایه داران و طبقه کارگر تشکیل می دهند اما صف آرایی نیروهای انقلابی در برابر نیروهای ضد انقلابی تغییرات اساسی کرده و بسود اکثریت در حال تکامل است.

دوران تاریخی گذار از ما لکیت خصوصی بر وسایل تولید، به مالکیت همگانی و اجتماعی و شورایی کردن جامعه با فرهنگی بدور از فردگرایی لیبرالیستی فرا رسیده است. آلترناتیو کارگری در برابر آلترناتیو های بورژوازی، صف طبقاتی روشن پرولتاریا بعنوان چتر میلیاردری ۹۹ درصدی ها، عظیم ترین نیروی ستمدیدگان و استثمار شوندهگان در تدارک برای براندازی نظام سرمایه داری و جایگزینی اش با نظام سوسیالیستی هر روز بیشتر به نیروی متشکل و متحد با راه و رسمی بر روال علم، آزادی، بدور ازهرگونه تبعیض و ستم، بدون استثمار انسان از انسان، بدون جنگ، زندان، شکنجه و اعدام تبدیل می شود. این گرایش تاریخی است. بر بستر عینیت کنونی جوامع استوار است. نیروی اساسی و عمده تولید، توزیع و مصرف را تشکیل می دهد و از مرز هفت میلیارد نفری گذشته است. در برابر این لشکر میلیاردری، مشتی بس حقیر صاحبان وسایل تولید که به جنگ، کشت و کشتار، اعدام و شکنجه، زندان و سرکوب، استثمار انسان از انسان باور دارد موجود است که از درون پوسیده، ظاهرا پر قدرت خود را نشان میدهند که در پوست شیر رفته اند. آنها دیگر بهیچوجه جهانی را تشکیل نمی دهند، اقلیتی اند مچاله شده، جنایتکار، ضد بشریت که در محاصره کامل توده قرار گرفته اند. ما دیگر در پی طرح نوینی برای جهانی کهنه که قدرت های امپریالیستی برای ایجاد توهم عرضه می کردند نیستیم. سرمایه داری در بالاترین مرحله تکامل خود دنیا را به تباهی کشانده، طبیعت را به لبه پرتگاه رسانده و بود و نبود تمدن بشریت را زیر سوال برده است.

دیگر نه سه جهانی موجود است و نه دوجلهانی تنها یک جهان پر رنگ، قابل لمس و در میدان رزم روزانه:

جهانی پرولتاریایی در برابر بورژوازی،

کمونیسم در برابر سرمایه داری،

توده بی شمار نود و نه در صدی در برابر مشتی کوچک زالوصفت میلیونها

در ایران آلترناتیو های بورژوازی بیش از صدسال است با پشتیبانی امپریالیستها آمده اند و بر قدرت سیاسی حاکم تکیه داده اند و آن جا و آن زمان که تاریخ مصرفشان تمام

بدون زنان هیچ جنبش واقعاً توده‌ای موجود نیست



ترازنامه‌ای را در مبارزه سخت و طولانی به جهانیان عرضه دارند که در این نبردهای پی در پی چگونه دشمنان را به عقب رانده‌اند و پیروزی‌ها را چگونه تحکیم کرده‌اند.

در ترازنامه امسال زنان جهان باید از مقاومت و ایستادگی زنان افغانستان سخن گفت که در برابر نیروهای ارتجاعی طالبان بر خاستند و جای خالی یک جنبش همگانی مترقی را پر کردند. امپریالیسم آمریکا با تسلیم شدن کامل در برابر ارتجاع طالبان بنا بر ماهیتش زنان افغانستان را قربانی کرد. این درس بزرگی شد که بار دیگر جنبش زنان به درستی جمع‌بندی کنند که در دوران کنونی تاریخی، آزادی زنان با جنبش رهاییبخش کل ستمدیدگان و استثمار شونده‌ها گره ناگسستنی خورده است. پشتیبانی از جنبش مقاومت زنان افغانستان امروز به یکی از وظایف مبرم کل جنبش‌های مترقی و کارگری جهان تبدیل شده است.

در جبهه داخلی ایران، زنان سال پر از مقاومت و مبارزه را در کارنامه خود دارند. درخشنده‌ترین این نبردهای پی در پی شرکت آنها در مبارزات اعتصابی و خیابانی بود. هر جا اعتراض و اعتصابی بود زنان همراه مردان در پیشاپیش صفوف حرکت می‌کردند. از جنبش کشاورزان اصفهان گرفته تا جنبش معلمان و بازنشستگان.

توانایی و از خود گذشتگی زنان ایران در جبهه مبارزه با کوید ۱۹ چنان چشمگیر است که رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی هم مجبور به عقب نشینی شده است. زنان زندانی، مادران شجاع جانباختگان و خاوران، همچنان نیروی مقاومت و مبارزه را با تمام فشارهای امنیتی در جبهه مبارزه با زندان، شکنجه و اعدام سازمان می‌دهند. چه گفته راستینی است که هر کجا ستم است مقاومت هم موجود است. فرایند جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی ایران در حال حاضر بستگی به جنبش زنان دارد. بدون جنبش توده‌ای وسیع زنان حرف زدن از پیروزی انقلابی ریشه‌ای، براندازی نظام سرمایه‌داری کنونی و جایگزینی‌اش با نظامی بدست اکثریت عظیم ستمدیدگان و استثمار شدگان و برای آنها یعنی نظام سوسیالیستی، پوچ و بی معناست.

روز مقاومت و مبارزه جهان، هشتم مارس را به روز همبستگی بازمی‌بازیم بیشتر نیروهای کارگری و جنبش‌های توده‌ای سراسری در ایران تبدیل کنیم.

حزب رنجبران ایران

تنها تشکلات مستقل کارگریست ظرفی برای سازماندهی عظیمترین توده‌های میلیونی ستمدیده و استثمار شونده، نه اتحادهای جبهه واحدی احزاب و سازمانها و بلوک‌های متحد ضد دیکتاتوری.

تنها ایجاد حزب کمونیست متحد، با استخوانبندی تشکیلاتی درون طبقه کارگر است که پیروزی انقلاب سوسیالیستی را تضمین می‌کند.

پس رفقا در صفی متحد به پیش! برای پیوند با کارگران، برای ایجاد حزب کمونیست متحد! یک دو به صف متحد، برای گسترش پایه‌های توده‌ای، برای سازماندهی لشکر میلیونی ستمدیدگان و استثمار شونده‌ها!

نیروی توده‌ها لایزال است، کارگران بزرگترین، متشکل‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل تولیدند در مقابل مشتی کوچک، فاسد، جنایتکارصاحبان سرمایه، دشمنان آنانند.

توده‌ها سازندگان تاریخند و امروز در یافته‌اند میتوانند جهانی نوین را بسود خود و بشریت فتح کنند.

- بهمن ماه هزارو چهارصد شمس - محسن رضوانی ۱۴ فوریه روز عشاق ۲۰۲۲

هشتم مارس روز تاریخی زنان جهان برای رهایی و سوسیالیسم

مبارزه بی وقفه زنان در سراسر جهان سیمای کاملاً نوینی به مبارزه طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های توده‌ای و اجتماعی داده است. امروز دیگر برای سازمان دهندگان هر حرکت اجتماعی مسجل است که بدون شرکت زنان که نیمی بیشتر از جهانند، رسیدن به هدف ناممکن است.

کلیه نیروهای حاکم طبقاتی مسلط بر جهان در این تاریخ کهن مبارزه طبقاتی، برده‌داران؛ اربابان ستمگر رعیت‌گش و در چند قرن گذشته صاحبان سرمایه، زنان را دومین جنس، نیمه عقل و ناتوان به حساب آورده‌اند و تا امروز با تمام دستاوردهای عظیم علمی بشریت هنوز عقاید ضد زن حتا در پیشرفته‌ترین جوامع موجود است. اما همچنان که نظام سرمایه‌داری بدست خود گورکنان‌اش را لاجرم خلق می‌کند، زنان که بعنوان بردگان دوران مدرنیته به صحنه تولید کشانده شدند، جنبش نوینی از کارگران زن را بنیاد کردند. هشتم مارس را زنان کارگر بنا نهادند تا هر ساله

شده بر داشته شده‌اند. امروز هم ما شاهد تلاش آلترناتیوهای بورژوازی برای جابجا شدن قدرت سیاسی هستیم. آنها با ایجاد توهم در توده‌ها و ادعای دروغین دموکراسی خواهی، با لجن پراکنی‌های ضد کمونیستی، جنبش‌های کارگری وتوده‌ای را آشوبگر و هرج و مرج طلب خواندن تلاش می‌کنند با دست بدست کردن قدرت همچنان به حکومت سرمایه داری ادامه دهند.

در آستانه سالگرد بهمن پنجاه و هفت امسال همه ی آنها آرزوی جانشینی را در دل دارند و در رویای رسیدن به قدرت حکومتی چهار دهه است بسر می‌برند، بعضی‌ها با طرح عبوراز حاکمیت و بعضی‌ها با بازگشت به قدرت از درون اعلام کردند. بر جسته ترین آنها بیانیه ۳۴ شخصیت سیاسی درون کشوری است که اصلاح طلبان با چند نفری از طیف ملی - مذهبی، توده‌ای و سوسیال-دموکرات‌ها جور کرده‌اند. آنها پس از رانده شدن از اریکه قدرت توسط انحصار طلبان در این بیانیه خطر فروپاشی جامعه را برخ جناح دیگر می‌کشند، تمام وکمال کل فروماندگی و در ماندگی نظام ولایت فقیه در این چهل و سه سال را به گردن جناح دیگر می‌اندازند و خود را مبرا، عابد ودانا برای ادامه سلطه سرمایه داری معرفی می‌کنند. از قرار توافق برجام در حال شدن با آمریکا است، خطر براندازی از خارج و با کمک آمریکا فرو می‌نشیند، براندازها شمعیان خاموش می‌شود و اصلاح طلبان باردیگر بال و پر خواهند گرفت.

حزب رنجبران ایران مبرمترین وظیفه کمونیستها را برای تحقق برنامه انقلاب سوسیالیستی، پیوند با جنبش کارگری، جزوی از آن شدن، سازماندهی پیشروان کارگری و ایجاد زمینه‌های طبقاتی و اجتماعی یکی شدن تشکل‌های موجود کمونیستی در حزب کمونیست یکی شده، می‌داند. بدون چنین حزبی بازمی‌جنبش‌ها و موج‌های انقلابی بر می‌خیزند و فرو می‌نشینند و همچنان بورژوازی با دست بدست کردن قدرت میان خود به سلطه و سرکوب ادامه می‌دهد. اگر در دفعات قبل مردم با کمونیستها گریستند این بار به آنها خواهند خندید. حزب رنجبران ایران وفادار به کمونیسم علمی بعنوان تئوری راهنمای خود از کلیه احزاب و تشکل‌های کمونیستی دعوت می‌کند براساس اصول کمونیسم و برنامه‌ای که منطبق با شرایط مشخص کنونی جامعه ایران است متحد شوند.

تنها سوسیالیسم پاسخی است راستین به هرج و مرج و بحران کنونی سرمایه داری

برجام: کدام رویکرد

فشارهای حد اکثری تحریم‌های خود که بطور عمده منجر به تلاشی زندگی هزاران هزار خانوار و فقر و محنت اکثریت عظیم فرودستان جامعه شده نه تنها رژیم چنچ را به دنبال نداشته حتی نتوانسته مانع غنی سازی انرژی هسته‌ای شود (امری که بنا بر ادعا و با توسل به بوق و کرنای گسترده تبلیغاتی به خورد افکار عمومی مبنی بر خطر عروج قدرت هسته‌ای که به «دنیای آزاد» تعلق ندارد و لاجرم مسلح شدن رژیم جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای خطری جدی برای منطقه

تاریخی جهت گسستی استراتژیک مواجه بود. گسست از مدار نظام جهانی سرمایه به رهبری هژمونیکی آمریکا وهم پیمانان اروپایی آن و رویکرد به گزینه ای که قریب به ده سال پیش از آن روی برتافته بود، یعنی توسعه همکاری ها با چین و روسیه. بررسی گفتمان احیای برجام در پرتو تحولات سیاسی در عرصه بین‌المللی هر چه بیشتر بی ربطی مجادلات سیاسی را با محوریت انرژی هسته ای ایران نمایان تر می سازد. زیرا اگر آمریکا در حالیکه بواسطه اثرات تخریبی

پس از خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، اوضاع کشور دچار ناملایمات و هنجارهای بیشتری شد. واکنش‌ها به این اقدام در ایران علیرغم تاکیدات بر **قطعنامه شورای امنیت** سازمان ملل متحد مبنی بر تأیید این توافقنامه هسته‌ای که همچنان به عنوان «چارچوب قانونی بین‌المللی برای حل اختلاف» باقی خواهد ماند، متفاوت بود. ایران که بر همه دستاوردها و حقوق مسلم خود در غنی سازی اورانیوم برای حفظ حاکمیت خود خط بطلان کشیده بود، حال با یک چالش

کارخانه ملاتی است در خدمت طبقه کارگر

باشد. جنبش زنان ایران در این صد سال گذشته پا به پای جنبش‌های توده ای فعالیت داشته و امروز باز هم در جنبش معلمان نقش بیشتری را از خود نشان داده اند. با اینکه زنان کارگر یکی از ستمدیده ترین اقشار جامعه ایران اند و بار سنگین اداره خانواده کارگری را با در آمدی نازل بدوش می کشند، اما نظام حاکم تا کنون نه تنها نتوانسته باری از دوش آنها بردارد، بلکه بی شرمانه با بکار گرفتن خرافات و قوانین شرعی برستم مضاعف آنان هرچه بیشتر افزوده است.

دوم قانونگذاری پس از شکست فاشیسم بود، مغزی فعال و پژوهشگر داشت. او در دوران فاشیسم، فعالیت پیگیر و بی وقفه داشت، در دوران مخفی او و رفقای او رفته اش به پاریس نقل مکان می کنند. ترزا در سفرهای مخفی راهی ایتالیا می شود، با پارتیزان های ایتالیا دیدار و اعتصاب زنان کارگر برنجکار را هدایت می کند. او در پاریس دستگیر و به آلمان ها تحویل داده می شود. زندگی او را سال ها دنبال کرده ام، فکر می کنم الگوی زندگی او برای جوانان زن کارگر ایران بسیار آموزنده

به مناسبت فرا رسیدن ۸ مارس این مقاله را به ترزا نوچه تقدیم می کنم،..... زنی که نامش در تاریخ زنان مبارز جهان ثبت شده است. او زنی از خانواده ای کارگری، کودک کار، کارگر، کارگر پیشرو، سازمانده کمنیست، توانا در تلفیق کار مخفی و علنی، مادری مهربان و سرشار از شور زندگی در خدمت طبقه کارگر و در خدمت به خلق بود. ترزا نوچه فعال کارگری و عضو کمیته مرکزی حزب کمنیست ایتالیا، روزنامه نگار، نویسنده و نماینده پارلمان ایتالیا در دوران اول و

جهانی نوین باید ساخت

اند و کارگران به اشکال مختلف از ایجاد حزب تا کنفدراسیون سراسری و متحد خود سازمان داده اند. آنها در این سال های طولانی هیچگاه صحنه را ترک نکرده اند چون منطق آنها در مبارزه از روند کوچک به بزرگ، کم آگاهی تا آگاهی طبقاتی، افتادن و برخاستن در برابر دشمن، دشمنی که مرامش سرکوب و جلوگیری از هرگونه سازماندهی آنها بوده است. هر بار نمایندگان بورژوازی دست در دست استعمارگران و سرمایه جهانی خطری از جانب توده ها حس

از هرگونه کپی برداری، در خدمت به وظیفه تاریخی انقلابات پرولتاریایی، راه پیش روی به جلورا هموار سازند. اوضاع خوبست، به پیش برای سازماندهی جهانی نوین، خالی از ستم و استثمار، جهانی کمنیستی. از ایجاد حزب کمنیست ایران بیش از صد سال میگذرد. کارگران وزحمتکشانشان وتوده های ستمدیده ایران دست در دست هم و بازو در بازو، در این صد سال، بارها به میدان آمده

بحران ساختاری سرمایه داری جهانی وبه سرازیری افتادن ابر قدرت قرن بیستم از یک سو وفروماندگی و در ماندگی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی که راه حل را در انحصاری کردن باهم بیشتر قدرت سیاسی یافته از سوی دیگر، شرایط تغییر یافته نوینی را برای طبقه کارگر ونیروهای مترقی جامعه ایران بوجود آورده است تا در پرتو اصول وتجارب پر ارزش ومعتبر جنبش کارگری، طبق شرایط مشخص کنونی با استقلال رای، بدور

با نشانی‌های زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخوانید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar

P.O.Box 5910

Washington DC

20016

U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:

ranjbaran.org@gmail.com

آدرس غرغه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org